

ملاحظات و تصحیحات (۱۳)

محمد کاظم رحمتی *

چکیده

مقاله، نزدیک به بیست نکته پژوهشی در بر دارد که برای شناخت بحرین قدیم و جایگاه تشیع در آن، از دیدگاه کتابشناسی، تراجم، رجال، تاریخ، جغرافیا و دیگر شؤون آن بر اساس یافته های نسخه های خطی و تحلیل آنها بحث شده است. از جمله این نکات در عرصه کتابشناسی؛ اهمیت تملکات عالمان بحرینی بر نسخه های خطی در سال ۱۱۲۹ ق.، مجموعه رسائل خطی قرن نهم به کتابت عالم بحرینی، کتابت رساله خلل الصلاة محقق کرکی، تملک علی بن سلیمان بحرانی بر کتاب سلیم، یادداشت یاسین بلادی در باره امانت کتاب، معرفی بعضی از نسخه های نفیس کتابخانه آل زین الدین احسائی، تملک عالمان احسائی بر نسخه انتخاب الجید دمستانی است. همچنین در زمینه تاریخ نگاری بحرین قدیم؛ نکاتی همچون مهاجرت عالمان احسائی به ایران و بصره و نجف بطور مستند یاد شده که پیامد عواملی همچون حمله خوارج به بحرین در قرن دوازدهم، حمله وهابیون در قرن سیزدهم و گزارش مفصل فتح قطیف در قرن دهم بوده است. آشنایی با خاندان های احسائی مانند آل عیثان و رجال آن مانند شیخ حسین و شیخ محمد نیز موضوع برخی از نکات پژوهشی است. نکات جغرافیایی بحرین قدیم، از جمله فهرستی از روستاهای این منطقه بر اساس انجنامه های نسخه های خطی، روستای فارسی اوایل و محمد بن حرز بحرانی در قرن یازدهم قمری،

* استادیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

روستای ندید احساء و برخی از عالمان آن مانند سید حسین بن احمد ندیدی، و قبر
الآجام که مقبره ای در منطقه قطیف است، یاد شده است.

کلیدواژه ها

تاریخ شیعه - بحرین قدیم؛ خاندانهای شیعی - بحرین و قطیف و احساء؛ نسخه
های خطی شیعی - عالمان بحرین و احساء؛ عالمان شیعی - مهاجرت ها؛ بحرین
قدیم - جغرافیا؛ نسخه های خطی - پژوهش.

تملکات بر نسخه های خطی، بخشی از تاریخ متن و چگونگی روایت و انتقال آن است و
بر اساس یادداشت های آمده بر نسخه های خطی، می توان سیر جا به جایی و انتقال نسخه
های خطی را مورد بحث قرار داد. با وجود اهمیت این مطالب در فهرست نویسی نسخه های
خطی، به نحو مجمل به یادداشت های تملک اشاره می شود و یا گاه چنین مطالبی از قلم
افتاده و تنها با مراجعه به خود نسخه می توان چنین اطلاعاتی را بدست آورد. در این بخش
یادداشت های تملک بر شماری از نسخه های خطی و اهمیت آنها مورد بحث قرار می گیرد.

نسخه اثبات الهداة ۹۶۰۰ کتابخانه مجلس

از نسخه های مهم کتاب اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات شیخ حر عاملی (متوفی
۱۱۰۴)، نسخه شماره ۹۶۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. نسخه اخیر از روی
نسخه اصل کتابت شده و کاتب متذکر شده که نسخه حاضر دومین نسخه ای است که از
روی نسخه اصل کتابت شده است. شیخ حر از تألیف کتاب اثبات الهداة در ۱۰۹۶ فراغت
حاصل کرده است. شیخ حر در سحر شب هجدهم صفر ۱۰۹۸ بار دیگر نسخه ای از کتاب
اثبات الهداة را کتابت کرده و نسخه حاضر از روی آن توسط کاتبی کتابت شده است. وی در
انجامه نسخه در اشاره به نسخه ای که از روی آن کتابت کرده، چنین نوشته است:

«وقد كتبت هذه النسخة الشريفة المنيفة من النسخة الأصل التي هي الثانية المنقولة من
المسودة تأليف الفاضل الكامل المحرر المدقق جامع المنقول والمعقول الشيخ محمد بن الحسن الحر
العاملی وقد اشتملت بحمد الله من النصوص والمعجزات التي هي مقصودة فيه بالذات والفوائد

والمهمات من المقدمات والمتممات على ما فيه كفاية ... والله الموفق والمعين وقد فرغ المؤلف سلمه الله من تأليف النسخة الأصل سنة ١٠٩٦، وكان فراغه أيضاً من النسخة الثانية المنقولة من المسودة في سحر الليلة الثامنة عشرة في صفر سنة ١٠٩٨، والحمد لله وحده. وكان الفراغ من هذه النسخة الشريفة المنقولة من المسودة بواسطة يوم الجمعة وهو العشرون من صفر سنة ١٠٩٩».

نسخه اخير در سال ١١٢٩ در اصفهان، به تملك عبدالله بن صالح بحراني سماهيجی در آمده و او يادداشتی در خصوص تملك خود بر نسخه نوشته که متن آن چنین است: «ثم انتقل للعبد الجاني خادم المحدثين عبدالله بن صالح البحراني غرة شهر الله المعظم شهر رمضان في دار السلطنة اصفهان في السنة ١١٢٩ والحمد لله وحده».

عبدالله بن صالح سماهيجی بعد از مشکلاتی که به دليل حملات خوارج عمان به جزیره اوائل پيش آمد، برای طلب کمک از دربار صفوی به اصفهان آمده بود و بعد از مدتی اقامت، با نامیدی از دربار صفویه به بهبهان رفت. تاريخ سفر سماهيجی به اصفهان پيش از صفر ١١٢٨ است. وی در پایان الاجازة الكبيرة خود به نحوی مجمل به این حوادث اشاره کرده و نوشته است:

«... وقد وافق الفراغ من تنميق هذه الإجازة مع تشويش البال، وتقلقل الأحوال، ومقاسات الخطوب والاهوال، ومصادمة الحروف والقتال، ومعاناة الشخوص والانتقال في بلدة بهبهان، في عصر الاثنين الثالث والعشرين من شهر صفر ... سنة ١١٢٨».

ظاهراً سماهيجی بار دیگر در ١١٢٩ به اصفهان بازگشته و سعی کرده تا بار دیگر با شاه سلطان حسین صفوی دیدار کند و شاه صفوی را نسبت به مشکلات اهل جزیره اوائل آگاه کند. در همین هنگام وی نسخه کتاب اثبات الهداة را در ماه رمضان ١١٢٩ خریداری کرده است. نسخه باید تا اواخر عمرش همراه او و بخشی از کتابخانه وی در بهبهان تا سال ١١٣٥ بوده باشد. نام دیگری که بر نسخه آمده، سید عبدالله علوی بلادی استر که همراه با عبدالله بن صالح سماهيجی، اوائل را ترک کرده بود و در بهبهان ساکن شده بود و از نزدیکان او در آنجا بوده است. سید عبدالله بن علوی بلادی حسینی از استادان شیخ یوسف بحرانی (متوفی ١١٨٦) بوده و از وی در ضمن مشایخ خود در لؤلؤة البحرين (ص ٩٢-٩٣) نام برده است و



هر چند تاریخی در خصوص تملک سید عبدالله بلادی حسینی بر نسخه نیامده، اما ظاهراً وی عهده دار وصایت عبدالله بن صالح سماهیجی بوده و از یادداشتی که بر نسخه نوشته، نیز می‌توان این مطلب را دریافت.^۱ او در فروش نسخه سخن از انجام وصایت دارد و اشاره ای به تملک خود بر نسخه نکرده است. سید عبدالله علوی کتاب را به شخصی به نام آخوند مولانا عبدالرحیم بن شعبان فروخته است و دو یادداشت در این خصوص بر نسخه آمده است؛ نخست یادداشتی از سید عبدالله بلادی در خصوص فروش نسخه به شیخ عبدالرحیم بن شعبان و دیگری یادداشتی از شیخ عبدالرحیم بن شعبان در خصوص تملک خود بر نسخه. متن دو یادداشت اخیر که متأسفانه بخش‌هایی از مطالب آنها در گذر زمان محو شده، چنین است:

«بسم الله، أقول وأنا الجاني الفاني عبدالله بن علوي عتيق الحسين الحسيني باني قد بعث هذا الكتاب المستطاب بالوصاية ... الله العالم العامل والفاضل الكامل ... مولانا آخوند عبدالرحيم ... شعبان ... بمحمد وآله الطاهرين»؛ «بسم الله؛ انتقل اليّ بالبيع الصحيح الشرعي انا الاقل عبدالرحيم بن شيخ شعبان».

نسخه بعدها در اختیار چه کسی بوده، دانسته نیست، جز آنکه فردی که مالک نسخه بوده، در سال ۱۱۷۲ آن را برای فروش با خود به قطیف برده است. نام این شخص را نمی‌دانیم، اما دانسته است که نسخه را عالم و کتاب دوست نامور قطیفی، سید محمد بن یحیی صندید حسینی در صفر ۱۱۷۲ در قطیف خریداری کرده و یادداشت خرید کتاب توسط وی را فردی به نام حسین بن محمد بن یحیی بر ظهر نسخه چنین نوشته است:

«ثمّ انتقل بالبيع الصحيح الشرعي لملك الأخ الأكمل الأنبل السعيد السيد محمد بن السيد .. بن السيد العلامة إبراهيم بن السيد يحيى الصنديد الحسيني في بلدة القطيف المحروسة في صفر سنة ۱۱۷۲ و كتب احوج الخلائق الى رحمة الله حسين بن محمد بن يحيى».

۱ برای شرح حال سید عبدالله بلادی بحرانی (متوفی ۱۱۶۵) همچنين بنگرید به: علی بن حسین بلادی بحرانی، أنوار البدرين، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵. متن اجازة سید عبدالله بلادی به شیخ عباس بن حسن بلاغی ربعی نجفی به تاریخ ۶ ربیع الثانی ۱۱۵۷ بنگرید به: اسماعیل گلداری، «اجازة السيد عبدالله البلادی البحرانی للشيخ البلاغی النجفی»، الساحل، العدد السابع والأربعون، السنة الرابعة عشرة، خريف ۲۰۲۰، ص ۹۷-۱۰۸.

کتابخانه سید محمد بن صدید حسینی با توجه به جایگاه و تمول مالی وی، یکی از کتابخانه های مهم قطیف در قرن دوازدهم بوده که متأسفانه برجا نمانده و ظاهراً اندکی بعد از درگذشت او، توسط وراثت فروخته شده و نسخه های آن پراکنده شده است. هر چه هست نسخه در حدود نیم قرن بعد، در تملک عبدالله بن مبارک بن علی احسائی خطی در ۱۲۳۵ سرسلسله دودمان آل حمیدان قرار گرفته و او در یادداشتی تملک خود بر نسخه را چنین گزارش داده است:

«ثم بعد مدة ... القادر علی عبده عبدالله بن مبارک بن علی بن عبدالله آل حمیدان الأحسائی أصلاً، الخطی مولداً ومنشأً بالبیع الصحیح شرعاً بتاريخ ۱۲۳۵».

تملکی بدون تاریخ از فردی به نام حسن بن علی بن حاج محمد بن زاید نیز بر ابتدای نسخه درج شده است: (قد دخل فی ملک الاحقر الجانی حسن بن علی بن حاج محمد بن زاید) که مطلبی در خصوص او نیافتیم. همین گونه فرد دیگری به نام علی بن محمد بن دعبل که تنها یادداشتی دال بر خرید نسخه در میان تملکات آغاز نسخه نوشته و تاریخی برای خرید نسخه ذکر نکرده است: (بسم الله؛ قد صار وانتقل بالبیع الصحیح لداعی الجانی المذنب الراجی من الله العفو والمغفرة علی بن محمد بن دعبل). به همین دلیل نمی توان به صراحت گفت که این افراد در چه برهه ای مالک نسخه بوده اند، اما محتمل است که بعد از عبدالله آل حمیدان، این افراد مالکان نسخه بوده اند. بعد از این افراد، فردی به نام صالح بن علی بن زاید بحرانی با تاریخ ۱۲۹۸ از تملک خود بر نسخه سخن گفته است: (بسم الله؛ قد انتقل بالبیع الصحیح الشرعی فی ملک فقیر ربه الجانی صالح بن علی بن زاید البحرانی سنة ۱۲۹۸). بر اساس نام های افرادی که مالک نسخه بوده اند، نسخه از ۱۱۷۲ که در قطیف فروخته شده، تا ۱۲۹۸ در همان منطقه بحرین قدیم در دست عالمان امامیه بوده و سپس بدون آنکه به صراحت بدانیم، دست شخصی بوده که آن را به فرزندش میرزا زین العابدین بخشیده که باید نشانی از انتقال نسخه به ایران یا عراق عرب داشته باشد. یکی از مالکین ایرانی نسخه، در زیر عبارتی که سید عبدالله بلادی حسینی در خصوص فروش نسخه نوشته، چنین نگاشته است:

«خط شریف علامه محدث سید عبدالله بلادی بحرانی، شیخ صاحب حدائق است. به

لؤلؤة البحرین مراجعه کنید».



اطلاعات از این دست درباره خرید و فروش نسخه در منطقه بحرین قدیم و دست بدست شدن کتابها ارزشمند است و بر اساس نام افراد مالک می توان درباره کتابخانه های منطقه بحرین قدیم اطلاعاتی بدست آورد.^۱

مجموعه ۱۱۷ کتابخانه حجة الاسلام گلپایگانی از نفائس عالمی قطیفی

اطلاعاتی که بر اساس نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان منطقه بحرین قدیم می توان بدست آورد، متنوع و مختلف است. به عنوان مثال در کتابخانه حجة الاسلام گلپایگانی در شهر گلپایگان، مجموعه ای به شماره ۱۱۷ در فهرست منتشر شده آن کتابخانه موجود است، که مشتمل بر چهار رساله کلامی یعنی الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد؛ الانوار الجلالیة للفصول النصیریة هر دو از فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶)؛ واجب الاعتقاد علی جمیع العباد و نهج المسترشدین فی اصول الدین هر دو از علامه حلی است.

مجموعه را شخصی به نام ناصر بن محمد بن حسین بن ناصر بن یحیی قطیفی کتابت کرده و در پایان دو رساله نخست یعنی الاعتماد و الانوار الجلالیة تاریخ فراغت از کتابت رساله ها را به ترتیب، جمعه هفتم رمضان ۸۶۴ و شنبه ۲۹ رمضان ۸۶۴ ذکر کرده است. نسخه به احتمال بسیار توسط کاتب، نزد عالمی خوانده شده و این را می توان از حواشی مفصل در سراسر نسخه دریافت. مطالب پراکنده همچون اشعار سید علی بن ماجد حسینی در میان برخی اوراق مجموعه آمده است. نسخه، زمانی در تملک فردی به نام احمد بن یوسف بن ربیع بن جعفر بوده است. مجموعه اخیر از حیث نشان دادن سنت مدرسی و نوع متون متداول در تعلیم کلام اهمیت دارد.^۲ متن هایی که در این مجموعه آمده، بر اساس

۱ برای معرفی نسخه و گزارشی در خصوص آن بنگرید به: ابوالفضل حافظیان بابل، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش)، ج ۳۰، ص ۲۴۴.
۲ برای گزارشی کوتاه از نسخه و تصویری از آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه های گلپایگان (قم، ۱۳۸۱ش)، ص ۹۵-۹۷. در کتابخانه اخیر، چندین نسخه موجود است که زمانی در تملک عالمان منطقه بحرین قدیم بوده است. نسخه ای از کتاب الصافی فیض کاشانی مشتمل بر جلد نخست به شماره دوم در این کتابخانه موجود است که هدایت الله بن محمد زمان شریف از کتابت آن در عصر روز سه شنبه ۶ ربیع الاول ۱۱۱۴ فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر در تملک صاحب حدائق، یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی بوده است. همین گونه مجموعه ای به شماره ۱۱ معرفی شده در فهرست مشتمل بر الطوائف ابن طاووس و الاعتقادات شیخ صدوق در این کتابخانه موجود است که علی بن محمد جزائری تمامی کتابت الطوائف آن را در شب ۲۸ رمضان ۱۰۹۱ به پایان برده و اجازه ای از شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی به تاریخ ۱۲ صفر ۱۰۹۲

شواهد دیگری که در دست است، از متون متداول و رایج درسی برای تعلیم و تعلم کلام امامیه در منطقه بحرین قدیم بوده است. آقابزرگ در ضمن نسخه های نفیسی که در کتابخانه سید خلیفه احسائی دیده، به نسخه ای از کتاب غایة المراد فی شرح نکت الارشاد شهید اول اشاره کرده که ناصر بن محمد بن حسین بن یحیی از کتابت آن در روز پنج شنبه ۱۹ ذی الحجة ۸۶۰ فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر شاهدهی دیگر بر فعالیت های علمی این عالم قطیفی قرن نهم است.^۱

دو اثر از ابراهیم بن محمد بحرانی عکری احسائی

نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان منطقه بحرین قدیم در موارد متعددی تنها منابع برای بحث درباره شرح حال آنها می باشد. در کتابخانه آستان قدس، مجموعه ای که اکنون مجزا شده و هر کدام شماره ای جداگانه دارد، موجود است که عالمی از اهالی جزیره اوال، به نام شیخ ابراهیم بن محمد بن حسن بن شیخ محمد بن شیخ حسن بن شیخ محمد بحرانی عکری احسائی آن را کتابت کرده است. درباره او یا پدران و اجدادش اطلاعی نداریم. روستای عکر، روستای در جنوب منامه و جنوب غرب جزیره ستره می باشد و تصریح ابراهیم بحرانی در خصوص محل اقامت خاندان وی، دلالت بر این دارد که پیش از مهاجرت در آن روستا اقامت داشته اند. با این حال به درستی دانسته نیست که او به احساء مهاجرت کرده یا پدرش. بر اساس مطالبی که در انجامه های مجموعه ای که کتابت کرده، می دانیم که خاندانش در جزیره اوال و در روستای عکر ساکن بوده اند و او خود در احساء سکونت گزیده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی نسخه ای از رساله خلل الصلاة محقق کرکی به شماره ۶۹۸۰ موجود است که ابراهیم بن محمد عکری آن را کتابت کرده است. ابراهیم عکری در انجامه رساله اخیر چنین نوشته است:

بعد از قرائت دریافت کرده و تصویر اجازه اخیر در فهرست کتابخانه نیز آمده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، همان، ص ۱۱، ۱۶-۱۸.
۱ بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷. همچنین آقابزرگ مدخلی را به فرد اخیر در طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۴۴ اختصاص داده است.



«...تمت علی يد العبيد الفقير الحقير المقر بالذنب والتقصير راجي عفوره تراب أقدام المؤمنين عبده إبراهيم بن محمد بن حسن بن الشيخ محمد بن الشيخ حسن بن الشيخ محمد البحراني أصلاً والعكري نسباً والأحسائي مسكناً، عفى الله عنهم والمؤمنين أجمعين. تم»^۱.

شیخ علی بن سلیمان بحرانی و تملک او بر نسخه کتاب سلیم شیخ حر عاملی

محمد بن حسن حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) از عالمان مهم عصر صفویه است که کتابخانه مهمی داشته که بخشی از آن نسخه هایی بوده که خود کتابت کرده و دیگر نسخه هایی که به تملک خود درآورده است. نسخه مشتمل بر تعدادی از اصول که وی در اختیار خود داشته، در عصر صفویه مورد توجه قرار گرفت و مادر نسخه های موجود از مجموعه اخیر است. مجلسی نیز به واسطه شیخ حر به نسخه ای از مجموعه اخیر دست یافت و در تألیف بحار الانوار از آن سود برد و گزارش نسبتاً مبسوطی از مجموعه مورد بحث را در مقدمه بحار الانوار آورده است. خوشبختانه نسخه شیخ حر عاملی از مجموعه اصول شانزده گانه اکنون در کتابخانه ملک به شماره ۶۵۷ موجود است.^۲

از نسخه های دیگری که در اختیار شیخ حر بوده و ظاهراً مجلسی به واسطه شیخ حر بدان دسترسی داشته، تحریری از کتاب سلیم بن قیس است. یکی از تحریر های کتاب سلیم بن قیس که مشتمل بر ۴۸ روایت است، نسخه ای است که اکنون به شماره ۳۱۶/۶ در کتابخانه آیت الله حکیم نجف نگهداری می شود. نسخه در ۴ محرم ۱۰۸۷ کتابت شده و اسناد

۱ استاد ارجمند یوسف مدن مقاله بلندی درباره روستای عکر و برخی عالمان برخاسته از آنجا منتشر کرده اند و البته به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات درباره ابراهیم بن محمد عکری بحرانی، مطلبی درباره او نیاورده اند. بنگرید به: یوسف المدن، «العلماء والأسر العلمية في قرية العكر جوانب مضيئة من التاريخ الثقافي للقرى البحرانية»، ترانها، رجب - ذوالحجّة ۱۴۳۴، السنة ۲۹، العددان ۱۱۵-۱۱۶، ص ۱۹۵-۲۵۸.

۲ افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۰۴) در سخن از زید الزرّاد و زید النرسی، مطلب شیخ حر در آخر نسخه اصول را نقل کرده است. شیخ حر در آخر نسخه اصول در تملک خود در اشاره به این مطلب که احادیث آمده در مجموعه در تملکش گرچه به شکل وجاده است اما از لحاظ اعتبار به دلیل آنکه بیشتر احادیث نقل شده در آن در کتاب کافی آمده، معتبر است (انی وجدت اکثر احادیث کتب هذه الاربعة عشر موجوداً في الكافي - در متن ریاض العلماء به خطا نام کتاب اخیر الوافی آمده است که ناشی از سهو در قرائت الکافی است - و غیره من الکتب المعتمدة والباقي مؤیدات ولم أجد فيها شيئاً منكرًا الا حدیثین محتملین للتقية). بخش اخیر کتاب ریاض العلماء در زمان حیات محمد باقر مجلسی و پیش از ۱۱۱۰ تألیف شده و افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۰۵) ضمن اشاره به آنکه تفصیل بحث به نقل از مقدمه استادش در آغاز بحار الانوار است، مجلسی را با عبارت «أیده الله تعالی» یاد کرده است.

مختلفی در روایت متن به آغاز آن الحاق شده است. شیخ حر عاملی در صفحه عنوان رساله، یادداشت خود بر تملک نسخه را نوشته است: (دخل في ملك العبد الفقير محمد بن الحسن الحر العاملي سنة ١٠٨٧) و سجع بیضوی خود را نیز در زیر عبارت تملک بر نسخه درج کرده است.^۱ در آخر رساله نیز با شکل مختصر تری از تملک خود بر نسخه با عبارت «مالکه محمد الحر» سخن گفته و مَهر دیگری با سجع «العبد محمد الحر» را در زیر آن نقش بسته است. نسخهٔ اخیر بعدها در تملک عالمی به نام علی بن حسن بن علی بن سلیمان بلادی بحرانی (متوفی ۱۳۴۰) بوده و در برگ پیش از آغاز رساله چند یادداشت درج کرده از جمله مطلبی دربارهٔ تملک خود بر نسخه که چنین است:

« کتاب الشيخ الجليل المتقدم سليم بن قيس الهلالي رحمه الله الذي رواه عن امير المؤمنين علي عليه السلام؛ بسم الله تعالى في ملك الاقل الجاني علي بن حسن بن علي بن سلیمان البحراني عفى الله عنهم اجمعين ١٣١٥. »

نسخه بعدها در اختیار آیت الله سید محسن حکیم قرار گرفته و او آن را وقف بر کتابخانهٔ خود کرده و یادداشت کوتاهی در این خصوص در همین برگ نوشته است: (... ووقفته علی مکتبتنا العامة فی النجف الاشرف ١٩ ج ٢ سنة ١٣٧٧).^۲

امانت کتاب؛ یادداشت های نسخهٔ ۹۱۹۱ کتابخانهٔ مجلس

دسترسی به کتاب و از سوی گران قیمت بودن آن باعث می شده است که عالمان از دوستان و آشنایان خود کتابهای مورد نیاز خود را امانت بگیرند. برای آنکه افراد دیگر متوجه امانت بودن کتاب شوند، گاه یادداشت هایی در این خصوص بر آغاز نسخه می نوشته اند. از این

۱ شیخ حر در خاتمهٔ کتاب تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی (قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲)، ج ۳۰، ص ۱۵۱-۱۶۵ بحث بسیار فشرده اما مهمی در خصوص منابع در دسترس خود برای تألیف کتاب آورده است و در ضمن آنها از کتاب سلیم بن قیس به عنوان یکی از منابع معتبر سخن گفته است. متأسفانه شیخ حر بسیار مجمل از منابع در اختیار خود سخن گفته و حتی اشاره ای به چگونگی دست یافتن به آثار در دسترس خود نکرده است. برای بحث مشابهی از شیخ حر دربارهٔ منابعی که در اختیار داشته و داوری او دربارهٔ آنها همچنین بنگرید به: امل الأمل، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۵.

۲ نطقن به این نسخه و اهمیت آن حاصل تذکر دوست گرامی آقای کاظم استادی است که پژوهش ارزشمندی دربارهٔ کتاب سلیم در دست انجام دارند.





دست نسخه ها، می توان به نسخه تلخیص المقال فی معرفة الرجال محمد بن علی حسینی استرآبادی (متوفی ۱۰۲۸) در کتابخانه مجلس به شماره ۹۱۹۱ کتابت شده در اواخر ربیع الاول ۱۰۴۹ اشاره کرد. نسخه اخیر در تملک فردی به نام میرزا مهدی بوده که شیخ یاسین بن صلاح الدین بلادی آن را از وی امانت گرفته است. یادداشتی ناظر به امانت کتاب که شیخ یاسین بلادی بر ظهر نسخه نوشته فاقد تاریخ است، اما باید مربوط به زمانی باشد که شیخ یاسین جزیره اوال را ترک کرده و در شیراز سکونت گزیده است. او در یادداشت امانت گرفتن کتاب از نام مالک نسخه نام برده و چنین نوشته است:

«هو، هذا من الكتب المستعان من جهة سيدنا الاشرف ميرزا مهدي سلمه الله تعالى وهي باقية عند الداعي حتى يطلبها حرره المسكين ياسين بن صلاح الدين».

عبارت اخیر دلالت بر این دارد که میرزا مهدی که باید از عالمان شیراز باشد، چندین کتاب را به شیخ یاسین بلادی امانت داده است و محتملا بر نسخه های دیگر نیز یادداشت مشابه اخیر توسط شیخ یاسین بلادی نوشته شده باشد. شیخ یاسین بلادی بعدها با جزیره اوال بازگشته و در سال ۱۱۶۱ که شرف الدین محمد مکی جزینی در اوال اقامت داشت، به دیدار خود با شیخ یاسین بلادی و اخذ اجازه از وی اشاره کرده است.^۱

یادداشت امانت گرفتن کتاب، توسط فردی دیگری نیز بر صفحه عنوان نسخه آمده است؛ شیخ حسین بن عبدالله ماحوزی یادداشتی بر ظهر نسخه نوشته که نسخه را از مالک آن که متأسفانه اشاره ای به نام آن نشده، شیخ عبدالله بن علی ماحوزی امانت گرفته است (بسم الله؛ هذا الكتاب المستطاب اعارة من مالكة بيد مولانا الاسعد بل الافضل الاكمل المعتمد الاوحد الامعي الشيخ عبدالله بن المقدس بن الشيخ علي الماحوزي وكتب الداعي حسين بن عبدالله الماحوزي).

نسخه بعدها در تملک شیخ عبدالله بن حسین بن جمال بحرانی بوده و باید به درخواست او شیخ مکی بن صالح بن حسین بحرانی یادداشتی در خصوص تملک او بر نسخه نوشته، که متن آن چنین است:

۱ بنگرید به: محمد مکی جزینی عاملی، لؤلؤة الجزین، تحقیق بشار عالی بحرانی (بیروت: مرکز اوال للدراسات و التوثیق، ۲۰۱۷، ص ۵۱-۵۳).

«من متملكات القابض على ازمة الكمال بالتمام خلاصة ابناء الزمان وزبدة الاخوان الشيخ عبدالله بن حسين بن جمال البحراني حرره الفقير الى الله الغني مكي بن صالح بن حسين البحراني»^۱.

کتابخانه آل زین الدین احسائی و نکاتی در باب آن

از نکات مهمی که می توان درباره عالمان بحرین قدیم به نحو عام مورد بررسی قرار داد، کتابخانه هایی است که در دوران زندگی خود فراهم کرده اند. کتابخانه های مورد بحث تا روزگاری که فرزندان و اعقاب خاندان همان علائق و سلاطین اجداد خود را داشته اند، باقی بوده و تنها در میان فرزندان به واسطه ارث تقسیم و پراکنده می شده است. با این حال در ادواری که اعقاب یا فرزندان علائق دیگری پیدا می کرده اند، کتابخانه هایی که در اختیارشان بوده، به فروش می رسیده است. تحقیق درباره کتابخانه های عالمان احسائی و شناسایی نسخه هایی که در اختیار آنها بوده، می تواند ما را با اندیشه ها و افکار آنها نیز آشنا کند. در میان عالمان احسائی نامور که تأثیرات و افکارش هم در روزگار زندگی و بعد از مرگش موضوع بحث و جدل بوده، شیخ احمد بن زین الدین بن ابراهیم بن صقر بن ابراهیم بن داغر ابن رمضان مطیرفی احسائی (متوفی ۱۲۴۵) چهره ای برجسته می باشد. وی اهل روستای مطیرفی در شمال احساء می باشد که چند سالی از زندگی خود را در ایران سپری کرده است. اقامت او در ایران باعث شد تا او فرصت بهتری برای پخش و اشاعه افکار خود بیابد، خاصه دورانی که در شهر یزد اقامت داشت. از سوی دیگر وی فردی کثیر التالیف بود و آثار و رساله های مختلفی خاصه در مقام پاسخ به برخی آراء و افکار خود به رشته تحریر درآورده است. نکته مهم در خصوص او، شیفتگی وی به کتاب بوده است. شماری از کتابها و نسخه هایی که در دست او بوده، اکنون در کتابخانه های مختلف ایران و عراق پراکنده است. دوست بزرگوارم شیخ محمد علی الحرز، گزارشی از کتابخانه شیخ احمد احسائی را در مقاله ای با

۱ برای گزارشی از نسخه ۹۱۹۱ کتابخانه مجلس بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ش)، ج ۲۹، بخش دوم، ص ۸۵۳-۸۵۴.





عنوان «من خزائن الكتب الأحسائية: خزانة آل زين الدين الأحسائي»، در مجله تراثنا، محرم - ربیع الاول ۱۴۴۱، شماره ۱۴۱، ص ۳۱-۹۱ تدوین کرده است. در این بخش با بهره‌گیری از مطالب ایشان چند نکته‌ای درباره کتابخانه شیخ احمد مورد بحث قرار می‌گیرد.

بررسی فهرست نسخه‌هایی که زمانی در تملک شیخ احمد احسائی بوده، توجه و دقت عالمان احسائی برای گردآوری نسخه‌های کهن شیعه و یا نسخه‌هایی که عالمان امامی خود کتابت کرده‌اند، را نشان می‌دهد. البته نسخه‌های کهن، اهمیت خاص خود را فی نفسه داشته‌اند. نسخه‌هایی که این دو ویژگی را داشته‌اند، عموماً مورد توجه عالمان مختلف دیگر نیز بوده‌اند، لذا شگفت نیست که بر این نسخه‌ها نشان از تملک شماری از عالمان امامی را بتوان یافت. به عنوان مثال نسخه‌ای از کتاب الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۲۴۵۹ موجود است که ملا فتح الله کاشانی نویسنده صاحب تفسیر منهج الصادقین خود کتابت کرده است. کاشانی از کتابت نسخه‌ی اخیر در ۵ صفر ۹۶۸ فراغت حاصل کرده است. نسخه‌های اخیر زمانی در تملک عبدالنبی بن رضی بحرانی در ۱۱۵۸ و یا شیخ عبدالله بن مبارک بن علی آل حمیدان جارودی احسائی بوده است. نسخه‌ی اخیر زمانی نیز در تملک شیخ احمد بن زین الدین احسائی بوده است.

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۵۶۲ مجلدی از کتاب المبسوط شیخ طوسی مشتمل بر کتاب کتاب طهارت تا کتاب السلم موجود است که نسخه‌ای کهن است، اما متأسفانه انجامه کاتب را ندارد. نسخه‌ی اخیر در تملک شیخ احمد بن زین الدین احسائی: (کتاب المبسوط للشیخ ره دخل فی حیاة العبد المسکین احمد بن زین الدین) و سپس فرزندش علی بن احمد بن زین الدین بوده است: (ثم صار الی نوبة الاقل علی ابن الشیخ احمد بن زین الدین). نسخه‌ی کهنی از کتاب ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد فخر المحققین (متوفی ۷۷۱) در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۶۰۶ موجود است، که عالمی از جبل عامل به نام محمد بن احمد بن محمد بن یعقوب صهیونی ساکن در قریه‌ی عینا که خاندان آل خاتون در آنجا اقامت داشته‌اند، در هفتم ذی الحجة ۸۴۷ کتابت کرده است. نسخه‌ی اخیر تملک شیخ



علی نقی بن شیخ احمد احسائی را دارد و محتمل است که شیخ احمد احسائی کسی باشد که نسخه را نخست او خریداری کرده باشد. نسخه ای نیز از کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علامه حلی (متوفی ۷۲۶) در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۳۵۳۵ در دست است که علی بن حسین بن محمود بن سعید بن محمد ابی علی عسکری اوالی شاطری مازنی در ۱۸ ربیع الثانی ۹۲۶ کتاب آن را آغاز کرده و در روز جمعه ۲۴ ربیع الثانی ۹۳۱ استنساخ آن را به پایان رسانده است. نسخه را شخصی در سال ۹۷۹ مقابله کرده و در حواشی آن مطالبی نوشته و در یادداشتی تاریخ فراغت از مقابله و تعلیقه بر نسخه را شب پنجشنبه شوال ۹۷۶ ذکر کرده است: (قوبلت القاعدة حسب الطاقة بنسخة مصححة مرقوة وعلقت علیها آخرها السبب نصف شوال لسنة ۹۷۹). یادداشت دیگری بر نسخه به تاریخ ۹۵۰ در خصوص مقابله آن در پایان جلد دوم نیز موجود است که نشان از این دارد نسخه در تملک شماری از عالمان امامی بوده و هر کدام در روزگاری که مالک نسخه بوده اند، نسخه را تصحیح و مقابله کرده اند: (بلغت مقابلة وتمت بحسب الجهد رابع شهر صفر ختم بالخیر والظفر لسنة خمسين وتسعمائة). نسخه بعدها در ۱۲۴۱ در تملک شیخ احمد احسائی و سپس فرزندش علی بن احمد بن زین الدین بوده است. همین گونه نسخه ای از کتاب تحریر الاحکام الشرعیة در کتابخانه مدرسه فیضیه به شماره ۴۸۸ مشتمل بر بحث نکاح، در تملک علی نقی احسائی بوده که زمانی در تملک قطب الدین محمد بن علی شریف لاهیجانی، نویسنده کتاب محبوب القلوب و بعدها در تملک سید محمد آل بحر العلوم در ۱۲۸۶ بوده است.

برخی از آثار، هر چند توسط عالمان غیر امامی تألیف شده، اما از جمله کتابها و نگاشته های مورد علاقه عالمان امامی بوده اند؛ از این گونه آثار نسخه ای از کتاب تأویل القرآن عبدالرزاق بن احمد کاشی (متوفی ۷۳۶) به شماره ۱۵۹۲۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی را می شناسیم، که در تملک شماری از عالمان نامور امامیه بوده است. نخستین فردی که یادداشت تملک خود بر نسخه را ثبت کرده، سید حسین بن حیدر حسینی کرکی (متوفی ۱۰۴۱) است که

۱ تاریخ درگذشت سید حسین بن حیدر کرکی در منابع نیامده و حتی آشفته گی های در شرح حال و معاصر اندکی بزرگتر از او یعنی سید حسین بن جعفر کرکی (متوفی ۱۰۰۱) نیز دیده می شود. آقابزرگ نسخه ای در میان نسخه های کتابخانه سید خلیفه احسائی دیده که متعلق به یکی از شاگردان سید حسین بن حیدر کرکی بوده است. شاگرد



در سال ۱۰۰۰ نسخه در تملک او بوده و یادداشت بلندی در خصوص خرید نسخه توسط او در ابتدای نسخه نوشته شده است. بعد از وی در تملک محمد بن علی بن حیدر بن حسن بن حیدر نعیمی بحرانی (زنده در ۱۱۶۶)^۱ و سرانجام در تملک شیخ علی نقی بن شیخ احمد احسانی در ۱۲۱۶ بوده است: (فی ملک علی نقی بن احمد بن زین الدین الاحسائی سنة ۱۲۱۶).

نسخه های کتابت شده توسط عالمان بحرین قدیم طبعاً از جمله نسخه های هستند که مورد توجه بیشتری بوده اند. نسخه ای از تفسیر جوامع الجامع فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۵۴۸) در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شماره ۱۴۸۰ موجود است که علی بن عبدالحسین بن احمد بن سلیمان بن احمد بن حسین بلادی بحرانی از کتابت آن در ۲۶ محرم ۱۰۹۷ فراغت حاصل کرده است.^۲ تملکات مختلفی بر این نسخه درج شده است: محسن بن علی قزوینی در ۱۱۲۶؛ شیخ حسن بن شیخ عمران بن خلیفه احسانی با تاریخ ۱۱۷۴؛ تملک احمد بن حسن بن عمران احسانی، شیخ احمد بن زین الدین احسانی با تاریخ ربیع الثانی ۱۲۰۸ و سرانجام علی بن احمد بن زین الدین در صفر ۱۲۴۴^۳

احمد بن حسن بن عمران احسانی از عالمان اهل مبرز احساء است و اطلاعات تاریخی چندانی در خصوص او در دست نداریم، جز چند نسخه خطی که زمانی در تملک او بوده است. او مدتی نیز در ایران بوده و به درستی دانسته نیست که آیا به احساء بازگشته یا خیر؟ نسخه ای در دست است که زمانی در تملک شیخ احمد بن حسن بن عمران احسانی بوده و او

مذکور تاریخ وفات استادش یعنی سید حسین بن حیدر کرکی را به شکل دقیقی چنین نوشته است: «کانت وفاته رحمه الله تعالى في اصفهان في يوم الاربعاء عاشر ربيع الاول من شهر سنة الف واحد واربعين قدس الله سره العزيز». بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، ص ۱۸۲.

۱ «قد انتقل لحیازة العبد الجانی والمملوک الفانی محمد بن علی بن حیدر بن حسن بن حیدر النعیمی البحرانی». برای شرح حال محمد بن علی نعیمی بحرانی بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الکواکب المنتشرة فی القرن الثاني بعد العشرة، ص ۷۰۸-۷۰۹.

۲ کاتب در انجامه نسخه چنین نوشته است: «بعون الله وحسن توفيقه واتفق الفراغ منه يوم السادس والعشرون من شهر محرم الحرام سنة سبع وتسعين وألف من الهجرة النبوية على مهاجرها أفضل الصلوات وأكمل التحيات وعلى أهل بيته الطاهرين، على يد الأقل الأذل غريق بحر الخطايا والذنوب وأسیر المعاصي والحبوب علي بن عبدالحسين بن أحمد بن سليمان بن أحمد بن حسين، عفى الله عنهم وجميع المؤمنين والمؤمنات آمين».

۳ محمود فاضل، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (مشهد: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱ش)، ج ۲، ص ۶۲۴.

در یادداشتی کوتاه تملک خود بر نسخه را در ۱۱۲۶ و شهر شیراز گزارش کرده است: (قد صار الكتاب المستطاب في نوبة العبد الأقل أحمد بن حسن بن عمران الأحسائي، غفر الله له ولوالديه في شیراز سنة ۱۱۲۶). نسخه اخیر بعدها در تملک چند تن دیگر از عالمان شهیر احسائی چون شیخ احمد بن عبدالله آل ابی دندن در ۱۲۱۸: (قد دخل هذا الكتاب في حيازة الأقل الأذل تراب أقدام أخوانه المؤمنين الفقير إلى الله أحمد بن الشيخ عبدالله بن محمد بن أبي دندن سنة ۱۲۱۸) و شیخ محمد بن موسی صانع در ۱۲۴۸ بوده است: (قد دخل هذا الكتاب في حيازة محمد بن المقدس الشيخ موسى آل علي بن عبدالله الصائغ سنة ۱۲۴۸). احمد بن عمران بن حسن احسائی در یادداشت کوتاه درباره تملک بر نسخه جوامع الجامع چنین نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ من تملكات راجي رحمة ربه المنيفة شيخ حسن بن شيخ عمران بن خليفة سنة الرابع والسبعين بعد المائة والألف، لعن الله ناهبه وغاصبه...».

نسخه ای از کتاب الفصول المهمة فی معرفة الأئمة نوشته علی بن محمد بن صباغ مالکی (متوفی ۸۵۵) در کتابخانه مجلس به شماره ۲۹۴۴ موجود است که کاتب آن فردی احسائی به نام علی بن احمد بن محمد بن خمیس بن حصیة احسائی است که در شب ۲۷ ذی الحجة ۱۱۱۸ کتابت نسخه را به پایان برده است. او در انجامه نسخه اطلاعات بیشتری درباره خود آورده و چنین نوشته است:

«قد فرغت من تسويد أوراق هذا الكتاب ضحوة يوم الثلاثاء لست بقين من ذي الحجة الحرام عام الثامنة عشرة والمائة بعد الألف (۱۱۱۸) من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل السلام والتحية على يد أقل عباد الله عملاً وأكثرهم زللاً علي بن احمد بن محمد بن خميس بن حصية الأحسائي مولداً والرقياي مسكناً غفر الله له ولوالديه بحق محمد وآله».

نسخه اخیر زمانی در تملک علی نقی بن شیخ احمد احسائی بوده است. گاه نسخه های خطی در گذر زمان دچار آسیب می شوند و بخشی از آن از بین می رود، در چنین مواردی مالک نسخه با مراجعه به نسخه ای دیگر، بخش آسیب دیده یا از میان رفته را بار دیگر کتابت می کند. نسخه ای از کتاب تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال سید محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی (متوفی ۱۰۲۸) موجود است، که بخشی از آن آسیب دیده و شیخ





احمد احسائی آن را تکمیل کرده و در آخر نسخه در اشاره به بازنویسی بخشی از نسخه توسط خود چنین نوشته است:

«وقد فرغ من تتمیم هذا الكتاب بهذه الأوراق العبد الفقير المسكين أحمد بن زین الدین بن إبراهيم بن صقر بن إبراهيم ابن داغر، الساكن قرية المطير في متأصلاً غفر الله لهم أجمعين، ضحى الخميس الثامن والعشرين من ربيع الثاني سنة ۱۱۹۹ من الهجرة النبوية، عليه وآله السلام، ذاكراً حامداً مصلياً مستغفراً راجياً خائفاً من الجواد الكريم»^۱.

نسخه ای از کتاب الفهرست شیخ طوسی در کتابخانه مجلس به شماره ۲۸۵۷ موجود است که آن را کمال الدین محمد کاظم گیلانی تنکابنی که از شاگردان و مجازین شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) بوده، کتابت کرده است. در آغاز این نسخه، اجازه روایت کتاب توسط شیخ بهائی به کاتب نسخه آمده است، با این حال نسخه آسیب دیده و شیخ احمد احسائی آن را تکمیل کرده است. در صفحه عنوان نسخه تملک های مختلفی آمده که بعضی از آنها محو شده، یا نام فردی که مالک نسخه بوده، پاک شده است. از جمله مالکان نسخه عالمی احسائی به نام احمد بن حسن بن عمران است که پیشتر از وی سخن رفت: (بسم الله مجازاً مالکة أحمد بن حسن بن عمران الاحساوي عفى الله عنه وعنهم والمؤمنين جميع الماثوي). به نظر می رسد که نسخه هایی که در تملک شیخ احمد بن حسن بن عمران احسائی بعد از مرگش توسط وراثت یا برخی از وراثت فروخته شده است. شیخ احمد احسائی در اشاره به تملک خود بر نسخه چنین نوشته است:

«بسم الله، الحمد لله؛ هذا الكتاب مما منَّ الله به عليّ وأنا المسكين أحمد بن زین الدین بن إبراهيم في ۸ ربيع ۲ سنة ۱۲۰۳».

بخش مهمی از نسخه آسیب دیده و شیخ احمد احسائی خود به تکمیل آن پرداخته و در انجامه تاریخ فراغت از کتابت بخش از بین رفته را چنین گزارش داده است:

۱ بنگرید به: سید محمد علی روضاتی، فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان (اصفهان: مؤسسه نشر نفانس مخطوطات، ۱۳۴۱/ش۱۳۸۲ق)، ج ۱، ص ۱۱۴.

«وقع الفراغ من نسخه اتمامه ليلة الثلاثاء الحادية عشرة من شهر رجب المرجب سنة ۱۲۱۱ في بلد بُني من بلاد القديم من البحرين بقلم العبد المسكين احمد بن زين الدين بن ابراهيم بن صقر بن ابراهيم ابن داغر عفى الله عنهم».

در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ضمن مجموعه آل آقا به شماره ۱۸۴ مجموعه ای مشتمل بر الاثنا عشرية طهارت، صلاة، زکات و خمس و صوم است که زمانی در تملک حسن بن علی بن ابراهيم بن حسن آل فاضل و شيخ احمد بن زين الدين احسائي بوده است. در میان نسخه های کتابخانه میرزا محمد حسن بن محمد ابراهيم گیلانی خوبی (متوفی ۱۲۴۸)، چند نسخه که پیشتر در تملک شيخ احمد بن زين الدين احسائي یا فرزندان او بوده، دیده می شود از جمله مجموعه شماره ۱۲ با تاریخ تملک ۱۲۱۵ از شيخ احمد احسائي؛ مجموعه ۶۶ با تملک شيخ احمد بن زين الدين و فرزندش علی بن شيخ احمد بن زين الدين و مجموعه ۷۷. مجموعه ۷۷ اهمیت بیشتری دارد. مجموعه اخیر مشتمل بر کتاب اوضح المسالك الى الفیة ابن مالک است که حسن بن يحيى احسائي در سلخ جمادی ۱۰۴۲ کتابت آن را به پایان رسانده و رساله سوم آن که نسخه ای از کتاب النافع يوم الحشر فاضل مقداد می باشد را عبدالمهدی بن حاج حسين سميطرى هجرى در دهه آخر جمادى الثانى ۱۰۳۸ کتابت کرده است. نسخه در تملک علی بن احمد بن زين الدين و شيخ علی نقی بن احمد بن زين الدين بوده است.^۱

توجه به نسخه های نفیس یکی از ویژگی هایی است که در شماری از نسخه های کتابخانه خاندان آل زين الدين از آن سخن رفته است. از دیگر نسخه های نفیس که زمانی متعلق به کتابخانه شيخ علی بن احمد بن زين الدين احسائي بوده، نسخه ای از کتاب معین النبیة فی رجال من لا يحضره الفقيه شيخ ياسين بن صلاح الدين بحرانی است که از تألیف آن در روز

۱ برای گزارش های بسیار کوتاهی از این سه مجموعه بنگرید به: علی صدرایی خوبی، «فهرست نسخه های خطی دو کتابخانه آذربایجان»، اوراق عتیق: مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه شناسی و فهرست نگاری، به کوشش سید محمد حسین حکیم (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش)، دفتر اول، ص ۸۶-۸۷، ۱۰۲-۱۰۳ و ۱۰۶-۱۰۷. در کتابخانه حجة الاسلام گلپایگانی نسخه ای از کتاب الروضة البهیة موجود است که تملک عبدالله بن احمد بن زين الدين احسائي به سال ۱۲۳۹ و شيخ علی نقی بن احمد بن زين الدين احسائي بسال ۱۲۴۱ بر آن موجود است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه های گلپایگان، ص ۱۹-۲۰.



ششم رمضان ۱۱۴۵ فراغت حاصل کرده و اکنون در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۵۵۰ موجود است. نسخه اخیر را علی بن حسین بن محمد بن یوسف بن علی بن عبدالله بن علی بن علی بن حسین بن کنبار نعیمی بلادی بحرانی در پنجم جمادی الاولی ۱۱۹۲ از روی نسخه مؤلف کتابت کرده است.

نسخه ای ارزشمند از کتاب انتخاب الجید در تملک شماری از عالمان احسائی

نسخه نفیسی از کتاب انتخاب الجید من تنبیهات السید شیخ حسن بن محمد دمستانی (متوفی ۱۱۹۱) در مجموعه آل آقا به شماره ۱۲۹ دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است که عالم احسائی به نام شیخ عبدالله بن محمد بن ابی دندن احسائی برای خود از روی نسخه اصل کتابت کرده و بعد از ذکر انجامه شیخ حسن دمستانی که تاریخ فراغت از تألیف را «ضحی الیوم الثامن من شهر جمادی الاولی سنة ۱۱۷۳»، در اشاره به تاریخ فراغت خود از کتابت چنین نوشته است:

«هذا صورة خط المصنف آدم الله تأييده، وعلى من بنیان الإسلام بوجوده تشييده وحفظ به من الشرع الشريف مشتتاته، وجمع به من الدين الحنيف شارداته أمين أمين، وفرغ من نسخة قلم فقير الله الغني عبدالله بن محمد أبي دندن باليوم الخامس عشر من شهر جمادي الأولى سنة ۱۱۷۴». فرزند شیخ حسن دمستانی یعنی احمد بن حسن دمستانی، یادداشت بلندی درباره کتاب و اینکه متعلق به شیخ عبدالله بن ابی دندن می باشد، در صفحه عنوان نسخه نوشته که متن آن چنین است:

«هذا الكتاب المستطاب المسمى بالانتخاب الذي هو من تألیفات الوالد الأستاذ شيخنا الشيخ حسن بن المرحوم الشيخ محمد بن الشيخ علي بن خلف بن إبراهيم بن ضيف الله بن حسن بن صدقة البحراني الدمستاني؛ في ملك الأخ الأواه الشيخ عبدالله بن ابی دندن الأحسائي وفقه الله لبلوغ درجة الاستنباط، وكتب أخوه في الله أحمد سائلاً منه الدعاء لي ولآبائي بالعفو والمغفرة في تاريخ غرة شهر جماديس الثانية من سنة ۱۱۷۴».

نسخه بعدها در اختیار شیخ عزیز ابن شیخ حسین بن محمد ابوعریش در تاریخ ۲۹ ربیع الاول ۱۱۰۹ و شیخ حسین بن علی بن حمد بن حسن الشواف آل بن فارس هفوفی احسائی

(زنده در ۱۱۹۸) و عبدالله بن احمد بن زین الدین احسانی به تاریخ ۱۲۴۶ بوده است: (باسم الله و الحمد لله؛ دخل في حيازتي وأنا الأقل عبدالله بن أحمد بن زين الدين في سنة ۱۲۴۴).^۱ نسخه های خطی خاندان آل شواف هنوز در دسترس قرار نگرفته است و نسخه حاضر از این حیث اثری ارزشمند است. درباره شیخ حسین شواف اطلاعات چندانی در دسترس نیست، جز آنکه وی از معاصرین شیخ احمد بن زین الدین احسانی و شیخ عبدالمحسن لویمی بوده و نام وی به عنوان یکی از گواهان در وثائق شرعی که شیخ عبدالمحسن لویمی نوشته آمده است. عبارت تملک شیخ حسین شواف را عالمی به نام محمد بن حسن بن سلیمان نوشته که متن آن چنین است:

«دخل هذا الكتاب المستطاب المسمى بالانتخاب في حيازة الأخ الأغر السالم من المين، الشيخ حسين بن علي بن حمد بالبيع الشرعي وكتبه الأقل محمد بن حسن بن سليمان عفى الله عنهم أجمعين راجياً منه أن يشركنا في دعاه والحمد لله وصلى الله على محمد وآله الطاهرين».

در آخر نسخه نیز شیخ حسین آل شواف به نحوی مجمل، تملک خود را بر نسخه در یادداشتی چنین نوشته است:

«باسم الله؛ من ممتلكات الاكرم الاحشم الشيخ حسين بن عل، بن حمد بن فارس متعه الله به طويلاً».

شیخ محمد بن حسن آل بن سلیمان صائغ احسانی (زنده در ۱۲۲۲)، از عالمان احسانی است که از بزرگان هفوف بوده و ظاهراً با تسلط وهابیان بر احساء، آنجا را ترک کرده و در شیراز سکنی گزیده بود. تبحر اصلی او در طب بوده است. خط زیبای او باعث شده بود تا دوستانش از او بخواهند یادداشت های دال بر تملک خود بر نسخه ها را، از طرف آنها بنگارد. نام وی در ضمن وثیقه ای که تاریخ ۱۱۹۸ را دارد، آمده است. در وثیقه مذکور، نام وی در کنار شیخ احمد بن زین الدین احسانی، شیخ حسین بن علی شواف؛ شیخ عبدالامام بن محمد بن فارس، شیخ موسی بن محمد صائغ و شیخ عیسی بن محمد لویمی آمده است.^۲

۱ برای معرفی مختصری از نسخه انتخاب الجید در مجموعه آل آقا به شماره ۱۲۹ بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۷۴۹-۷۵۰. سهو قلمی در ذکر شیخ حسین بن محمد ابوعریش رخ داده و به خط او شیخ عزیز بن شیخ حسین بن محمد ابوعریش معرفی شده و همین خطا به فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۴، ص ۹۵۵ نیز راه یافته است.

۲ جواد بن حسین رمضان، أعلام الأحساء، ص ۲۵۱.





شیخ حسین بن محمد آل بوعریش مبرزی احسانی نیز از عالمان احسانی شیفته کتاب است و نام و نشان او بر شماری از نسخه های خطی آمده است؛ به عنوان مثال نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام علامه حلی موجود است، که شیخ حسین بن محمد بوعریش و علی بن شیخ صالح بن زین الدین هجری، یادداشت های دال بر تملک خود بر آن نوشته اند.^۱ بر اساس تاریخ های افراد مورد بحث، می توان درباره سیر تاریخی تملک بر نسخه اخیر گفت که مالک نخست نسخه و کاتب آن شیخ عبدالله آل ابی دندن مبرزی در ۱۱۷۴ سپس شیخ حسین بن محمد آل بوعریش مبرزی در ۱۱۹۰ که محتملا نسخه را از شیخ دندن یا فرزندان او خریداری کرده و هر دو اهل مبرز بوده اند؛^۲ سپس نسخه به تملک شیخ حسین بن علی شواف هفوفی درآمده، هر چند وی تاریخی برای تملک خود بر نسخه ذکر نکرده است. دست آخر نسخه به تملک و مالکیت شیخ عبدالله بن احمد بن زین الدین احسانی در ۱۲۴۴ درآمده است. نسخه از جمله نسخه های خطی خاندان آل آقا می باشد.^۳

در میان نسخه های خطی دیگر موجود در میان مجموعه آل آقا، نسخه شماره ۱۲۱ ج از چند جهت اهمیت دارد؛^۴ نسخه اخیر نشان از این دارد که چگونه متن های درسی دست به دست می شده و همین گونه باز یادداشت های تملک بر نسخه های خطی، چگونه می تواند دانش ما درباره عالمان بحرین قدیم را که در مواردی جز نام از آنها اطلاع روشنی نداریم، وسعت بخشد. این نسخه شرح ابن ناظم بر الفیه محمد بن محمد مشهور ابن مالک (متوفی ۶۸۶) است که عالمی به نام عبدالله بن عبدالرحمن بن شیخ حسین عدسانی از کتابت آن برای خود در نهم محرم ۱۱۵۸ فراغت حاصل کرده و در انجامه چنین نوشته است:

«...ختم الکلام بحمد الله تعالى وبالصلاة على نبيه صلى الله عليه وسلم وعلى آله واصحابه الطيبين الطاهرين صلاة دائمة الى يوم الدين والحمد لله رب العالمين في تاسع المحرم عاشور من

۱ فنخا، ۴۶۲/۲۵.

۲ درباره مبرز که دومین شهر احساء می باشد و محله های آن و روستا های اطراف آن بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، تاریخ التشیع لاهل البيت فی أقليم البحرين القديم، ص ۷۰-۷۹.

۳ در معرفی نسخه اخیر از یادداشت استاد محمد علی حرز بهره فراوانی برده ام.

۴ برای معرفی مختصر نسخه ۱۲۱ ج بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۵۷۵-۵۷۶.

سنة ۱۱۵۸، ثمان وخمسين وماية وألف، بقلم العبد الجاني الحقير عبدالله بن عبدالرحمن بن الشيخ حسين العدساني - عفى الله عنهم بمنه وكرمه وجوده - تمّ وكمل والحمد لله على إتمامه بخير». عبدالله عدساني در کنار انجامه یادداشتی در خصوص مقابله و قرائت نسخه توسط خود نوشته که چنین است:

«بلغ مقابلة وقراءة ومزاولة إلى آخره إلا ما شذ من بعض المواضع التي لم أحضر قراءتها لمانع من الحضور. كتبه مالكة الأقل عبدالله بن عبدالرحمن بن حسين العدساني غفر لهم بمنه». نسخه در میان افراد دیگری از خاندان عدسانی بوده و یادداشت های دال بر تملک آنها بر نسخه آمده که برخی از آنها درگذر زمان محو شده و تنها بخش های از آنها قابل خواندن است. یکی از این یادداشت های تملک توسط حسین بن محمد بن حسین عدسانی است: (بسم الله و الحمد لله والصلاة والسلام على سيدنا محمد، ثم انتقل ... الشريعة ... إلى ملك العبد الفاني حسين بن محمد بن حسين العدساني غفر الله لهم وسأتر عيوبهم ... إنه جواد كريم، حرر في اليوم ۱۸ من شهر ربيع الثاني سنة ... وذلك بالشراء الشرعي رزقه الله الانتفاع به إنه على كل شيء قدير). در هر حال یادداشت های مختلف از افراد خاندان عدسانی نشانگر این است که نسخه برای مدتی در میان افراد مختلف خاندان عدسانی بوده است. نسخه بعدها بشکلی (فروش، هدیه) بدست ابراهیم بن محمد بن حسن دالوی رسیده است و در این خصوص شیخ عبدالله بن محمد بن غدیر بحرانی احسانی یادداشتی بر نسخه نوشته که چنین است:

«بسم الله؛ ثم انتقل إلى حيازة الشاب التقي الشيخ إبراهيم بن محمد بن حسن الدالوي وفقه الله لفهم معانيه، وذلك في السنة ۱۲۱۰، وكتب عبدالله بن محمد بن غدیر، عفى الله عنهم بمنه وكرمه». یادداشت اخیر روشن کننده چند مطلب است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. یادداشت بعدی تملک نسخه، نشانگر آن است که نسخه از احساء خارج شده است. عالمی به نام صالح بن علی موسوی بحرانی در یادداشتی، متذکر شده که نسخه را از کریم ابن الشیخ حسن علی رشتی در ۲۰ جمادی الآخر ۱۲۴۸ خریده است: (بسم الله والحمد لله؛ كيف أقول ملكي والله ملك السماوات والأرض، وأنا الجاني صالح بن علي الموسوي البحراني انتقل إلي بالبيع البتي من الشيخ كريم ابن الشيخ حسن علي الرشتي في ۲۰ جمادي الآخر سنة ۱۲۴۸). سپس یادداشت





تملك دیگری بر نسخه موجود است که از مالکیت فردی دیگر به نام سعید بن محمد نبی شیرازی بر ۲۲ ذی الحجة ۱۳۱۵ بر نسخه خبر می دهد: (قد انتقل إلى العبد سعید بن محمد نبی شیرازی في ۲۲ شهر ذی الحجة ۱۳۱۵).

نسخه اخیر روشن کننده حدود زمانی شیخ ابراهیم بن محمد بن حسن دالوی احسانی است. شیخ عبدالله بن محمد بن غدیر احسانی (شهادت در ۱۲۱۰)، از عالمان احسانی است که در هفوف ساکن بوده است. هفوف در دوران زندگی شیخ عبدالله احسانی، به دلیل حضور شیخ احمد بن زین الدین احسانی، به عنوان یکی از مراکز علمی احساء شهرت داشته است. وی تا سال ۱۱۸۲ در جزیره اوایل بوده و سپس به احساء مهاجرت کرده و در هفوف سکنی گزیده بود. یادداشت کوتاهی از وی بر نسخه ای از کتاب شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب که شیخ محمد بن علی آل عیثان احسانی (متوفی ۱۲۱۸)، کتابت کرده و در کتابخانه مجلس مجموعه طباطبائی به شماره ۹۴۳ موجود است، آمده که نشانگر روابط میان شیخ محمد آل عیثان با شیخ عبدالله بن محمد بن غدیر احسانی است: (قال الشيخ الأکرم الشيخ المعظم الشيخ عبدالله بن محمد بن غدیر). شیخ محمد آل عیثان نسخه شرح شذور الذهب را در ۱۱۸۲ در روستای شاخوره جزیره اوایل کتابت کرده و به نظر می رسد که در آنجا دوستی و رفاقت میان آنها پدید آمده است.^۱

اشاره شیخ عبدالله بن محمد بن غدیر احسانی به ابراهیم دالوی که او را در هنگام تملک نسخه، «الشاب التقی» توصیف کرده، مطلبی است که می تواند تاریخ تقریبی تولد او را مشخص کند و تعبیر اخیر زمانی بر فاصله زمانی میان بیست تا بیست و نه سالگی دلالت دارد و بر این اساس می توان حدود ۱۱۸۵ را زمان تولد او دانست. تعبیر «الدالوی» در اشاره به روستای دالو در پانزده کیلومتری هفوف است.^۲ چند اطلاع دیگر درباره ابراهیم دالوی مربوط به یادداشت های

۱ «وقع الفراغ من تسويد هذا الكتاب بعون الملك الوهاب على يد أقل الطلبة عملاً وأكثرهم زللاً، الغريق في بحر الذنوب والعصيان محمد بن علي بن عيثن الأحساوي القاري في قرية الشاخورة، أحد قرى البحرين المعورة بالعلماء، زادها الله إيماناً وتوفيقاً، بتاريخ يوم السابع من الأسبوع الرابع من الشهر الثامن من السنة الثانية من العشر التاسعة من المائة الثانية بعد الألف من الهجرة، وصلى الله على محمد وآله وسلم؛ الخط يبقى زماناً بعد كاتبه وكاتب الخط تحت التراب مدفوناً».

۲ دوست عزیز استاد محمد علی حرز یادداشتی درباره نسخه ۱۳۱ ح آل آقا نوشته اند و مطالب من مبتنی بر یادداشت ایشان است. برای روستای دالوه بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجلیل جنبی، تاریخ الشیع لأهل البيت فی اقلیم البحرين القديم، ص ۵۷. خاندانی عدسانی از احساء به کویت مهاجرت کرده اند.

تملك او بر چند نسخه خطی است. در کتابخانه مسجد اعظم ۶۹۲/۱ یادداشت تملك او به نام ملا ابراهيم بن محمد احسائي دالوی در آغاز نسخه آمده است. نسخه ای از شرح حکمة الإشراف محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی شافعی (متوفی ۷۱۰) موجود است که در ۱۰۹۳ کتابت شده و زمانی در تملك ابراهيم بن محمد بن حسن احسائي دالوی: (تملكه الفقير إلى الله إبراهيم بن محمد بن الشيخ حسن الأحسائي) و سپس شیخ محمود بن محمد کردی شافعی که در دوره ای از زندگی خود در احساء ساکن بوده، قرار داشته است.

شاهدی کهن درباره مهاجرت عالمان احسائی به ایران در عصر صفویه

متاسفانه درباره مهاجرت و روابط شیعیان منطقه احساء و قطیف در قرن دهم هجری و مهاجرت آنها به ایران اطلاعات بسیار اندک است. شیعیان این منطقه نسبت به صفویه چه موضعی داشته اند؟ در نیمه نخست قرن دهم هجری مراکز علمی شیعه، همچنان در عراق عرب و جبل عامل قرار داشت. با این حال با سیطره یافتن عثمانی ها بر جبل عامل و عراق عرب و مهاجرت برخی فقیهان برجسته و نامور چون حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی (متوفی ۹۸۴)، علی بن هلال منشار عاملی، خاندان و فرزندان محقق کرکی به ایران، شیعیان علاقمند به تحصیلات دینی، انگیزه های خوبی برای سفر به ایران و تلمذ نزد فقیهان مورد اشاره داشته اند. درباره عالمان ساکن در اوال اطلاعات جسته و گریخته ای در ضمن کتاب مورد بحث قرار گرفت؛ اکنون در خصوص شیعیان ساکن در احساء، می توان به یادداشتی بر صفحه عنوان نسخه ای کهن از کتاب تحریر الاحکام الشرعية علامه حلی که در ۲۳ ربیع الثانی ۷۲۱ و روزگار زندگی علامه حلی (متوفی ۷۲۶) کتابت شده، اشاره کرد. در صفحه عنوان نسخه اخیر که شماره ۲۵۸ در کتابخانه حرم حضرت عبدالعظیم حسنی ❁ نگهداری می شود، کسی در خصوص خرید نسخه چنین یادداشتی نوشته است:

«این کتاب را بعوض اجرة حجة، نواب مستطاب، جنت مکان، فردوس آشیان، با چند کتاب دیگر به نقوی ایاب، شیخ عبدالنبی لحساوی فروخته بودند و شیخ مشار الیه نزد فقیر فروخت بحضرة سیادة و شریعة پناه؛ نقاوة السادة العظام عماداً للسیادة و الشریعة و الدین مجتبی العریضی و ثمن در حضور این حقیر قبض نمود بشیخ مشار الیه فی شهر شعبان سنة ۹۸۲».





یادداشت اخیر از شیخ عبدالنبی احسانی سخن می‌گوید که از سوی یکی از دولتمردان صفوی، به جای او حج را به جای آورده است. اشاره ای به نواب مورد اشاره در صفحه عنوان نسخه نیامده است، اما ممکن است که مراد امیر نور الدین نعمت الله ثانی باشد که به قصد حج در سال ۹۷۱ بعد از درگذشت همسرش مهد علیا خانش خانم، خواهر شاه طهماسب، تصمیم به رفتن به حج را گرفته بود. قاضی احمد قمی در اشاره به ماجرای سفر شاه نعمت الله ثانی چنین نوشته است:

«و هم در شب نوروز این سال، مهد علیا خانش خانم همشیره نواب مالک رقاب اعلی به عالم بقا پیوست. زوجش مرتضی ممالک اسلام، شاه نعمت الله به نیت زیارت حج مرخص شده، متوجه بغداد شد و نعش خانم را به موجب وصیتش در حایر معلی در تحت قبۀ ابراهیم مجاب دفن نمود. چون ارادۀ هدایت پناه مشارالیه آن بود که از راهبر به زیارت رود، پاشای بغداد آن را موقوف به عرض خداوندگار داشت و محل فوت شد. بالضرورة وی بعد از تشرف زیارت آن مشاهد مقدسات عود نمود. در راه پهلو بر بستر ناتوانی نهاد، روز به روز ضعیف و نحیف گشته، چون به ولایت همدان رسید، در صباح جمعه دهم ذی حجه به عالم جاودانی رحلت نمود. نعش او را به کربلای معلی نقل نموده، در جنب زوجه اش در همان مکان شریف مدفون گشت. ولادتش در شب پنجشنبه سیزدهم شهر شوال سنۀ اثنی عشر و تسعمائة؛ مدت عمرش شصت سال. یکی از شعرا در تاریخ فوت وی این چنین یافته:

مصرع: شاه باقی زنده هر دو سرای»^۱.

به گمانم شاه نعمت الله ثانی بعد از آنکه برای انجام حج موفق به دریافت اجازه والی عثمانی در بغداد نشد، شیخ عبدالنبی احسانی را به نیابت خود، روانه حج کرده باشد. شیخ عبدالنبی احسانی به احتمال بسیار باید از عالمان احسانی مهاجر به ایران در عصر شاه

۱ قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۴۷. در نسخه خلاصه التواریخ کتابخانه برلین که تحریری متفاوت و متاخر از کتاب خلاصه التواریخ است، بخشی از عبارت به این شکل آمده است: «از راه بر و بیابان - مراد باید راه احساء باشد - خود را بمکه مشرفه و مدینه معظمه زاد هما الله شرفاً و تعظیماً رساند. پاشای بغداد آن را موقوف بعرض نواب خواندگار داشت و محل حج فوت میشد. بعد از تشرف بشرف زیارت عتبات عالیات از مشهدین و کاظمین و عسکرین و سایر امکنه متبرکه وی بالضرورة عود نموده، در راه بیمار شده، پهلو بر بستر ناتوانی نهاده روز بروز...». بنگرید به: خلاصه التواریخ، ج ۲، ص ۹۸۷-۹۸۸.

طهماسب باشد، که به نظر در شهر یزد سکونت داشته است. او بعد از بازگشت حج در شهر یزد، نسخه هایی - که امیر صفوی به او بجای اجرت حج داده بود - را به سید مجتبی عریضی در چند سال بعد - یعنی در شعبان ۹۸۲ - فروخته است. مالک بعدی نسخه یکی از سادات خاندان عریضی به نام محمد بن غیاث الدین عریضی است که در گوشه ای از صفحه عنوان، تملک خود بر نسخه را بدون اشاره به تاریخی ثبت کرده است: (من عواری الزمان دخل فی تصرف اقل الخلیقة بل لا شیء فی الحقیقة ابن غیاث الدین محمد العریضی).

در هر حال یادداشت اخیر بر نسخه خطی مورد بحث، از جهت نشان دادن مهاجرت عالمان احسائی به ایران و روابط آنها با اعیان و اشرف از یکسو و ارتباط آنها با عالمان و خاندان های کهن شیعی، چون خاندان سادات عریضی شهر یزد اهمیت فراوانی دارد.^۱

نسخه ۱۰۴۹۲ کتابخانه مجلس؛ شاهدهی دیگر از مهاجرت عالمان احسائی به شیراز

شهر شیراز در دوره صفویه به دلیل مهاجرت و اقامت عالمان برجسته اوالی چون عبدالکریم بن صالح بحرانی و سید علی بن ماجد بحرانی و شمار دیگری و نیز طبیعت نزدیک آن به منطقه بحرین قدیم، یکی از شهرهای مهم مورد توجه طالبان علم از منطقه بحرین قدیم بود. عالمان منطقه بحرین قدیم در کنار تحصیل علم، به کار کتابت نسخه های خطی نیز مشغول بوده اند و نسخه هایی که آنها کتابت و استنساخ می کرده اند، مورد توجه عالمان دیگر بوده است. در کتابخانه مجلس، نسخه ای از کتاب الطرائف ابن طاووس موجود است که عالمی احسائی به نام اسماعیل بن علی لِحساوی در سلخ ذی الحجة الحرام ۱۰۳۱ آن را کتابت کرده است. اسلوب ادبی کتاب الطرائف آن را در کنار اثری کلامی، کتابی جذاب و خواندنی کرده است. کاتب در انجامه نسخه البته اشاره ای به محل کاتب نسخه نکرده، با این حال یادداشت دیگری بر نسخه موجود است که نشان از این دارد که نسخه در شیراز کتابت شده است. کاتب در انجامه چنین نوشته است:

«...تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب بيد الفقير اقل الخلیقة بل لا شیء فی الحقیقة إسماعیل ابن شیخ علی اللحصاوی غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما فی بکور یوم الجمعة فی سلخ شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۰۳۱».

۱ درباره مطلب اخیر همچنین بنگرید به: حسین وائقی، التراث المکی، ص ۵۰۰-۵۰۱.





در زیر عبارت کاتب، شخص دیگری به نام عبدالکریم طبسی فهناجی شیرازی، در رجب ۱۰۴۳ یادداشتی در خصوص مقابله نسخه نوشته است.^۱ عبدالکریم طبسی بر اساس آنچه که خود را معرفی کرده: (الطبسی فهناجی ثم الشیرازی) در شیراز سکونت داشته است و محتملاً کاتب نسخه نیز باید از جمله عالمان احسانی ساکن در شیراز بوده باشد و یادداشت کوتاهی دال بر تملک خود بر نسخه نیز بر ابتدا آن نوشته است: (کتاب الطرائف، من تملکات العبد الأقل إسماعیل ابن الشیخ محمد للحساوی؛ اللهم ألعن سارقه وغاصبه وراحم من اطلع علیه ودعا لی). یادداشتی فارسی بر نسخه در خصوص خریداری آن از ورثه شیخ اسماعیل آمده: (از ورثه مرحوم شیخ اسماعیل ابتیاع شده) و در بالای آن، یادداشتی در خصوص تملک نسخه توسط فرد دیگری به نام عبدالله بن حسین حوری بحرانی و تاریخی در زیر آن که در کنار کلمه «وفات» و تاریخ ۱۲۸۹ آمده است.

در هر حال شکل نگارش مطلب اخیر به آن مقدار صراحت ندارد که بتوان گفت تاریخ ۱۲۸۹ مربوط به یادداشت تملک است، یا اشاره به تاریخ وفات شیخ اسماعیل. اگر مراد از شیخ اسماعیل همان کاتب نسخه و مالک آن باشد که تاریخ اخیر را باید مربوط به یادداشت تملک دانست و اگر جز این باشد شیخ اسماعیل مورد بحث، فرد دیگری و یکی دیگر از مالکان نسخه در ادوار بعد است و نوع جوهری که تاریخ اخیر با آن کتابت شده با تاریخ یادداشت تملک هماهنگی دارد و محتمل است که تاریخ مربوط به او باشد: (ثم دخل فی نوبه العبد الجانی الفانی خادم الفقراء عبدالله بن حسین الحوری البحرانی). نسخه اخیر، گرچه کاتب آن به صراحت از محل کتابت سخن نگفته، اما بسیار محتمل است که در شیراز کتابت شده باشد. متأسفانه درباره کاتب اطلاع دیگری در دست نیست.^۲

۱ «نظر فی هذا الكتاب أقل خدمة أهل الحديث أبو الفضل القاري الشهير بعبدالکریم الطبسی فهناجی ثم الشیرازی واستعرضه أكثره فصحه، وكان كثيراً منه ساقط، يتعذر انتساخه علی حواشیه حذراً من رتبها علی ما فی الأصل كما يشهد به المواضع المعروضة ... استکتبته سلیماً صحیحاً إن سوفنی الزمان وتصالح الحدثان، وأن اترجمه وأعلق علیه ما يحتاج إلى الإيضاح والتسهیل والبرهان والدلیل، والله الهادي سواء السبیل وهو حسبي ونعم الوکیل. عام الثالث والأربعین والألف من شهر الله الأصعب رجب المرجب، اللهم أهدي لما اختلف فيه من الحق بإذنك أنك تهدي من نشاء إلى صراط مستقیم».

۲ در کتابخانه آیت الله حکیم نسخه ای از کتاب ارشاد الاذهان علامه حلی به شماره ۲۳۵۳ موجود است که راشد بن علی بن راشد بن حسین ابن ابی سروال اوالی از کتابت آن در روز دوشنبه ۲۵ جمادی الاخره ۱۰۷۰ در مدرسه خانیه شیراز فراغت حاصل کرده است. وی در انجامه نسخه به دوری خود از زادگاه و خانواده اش اشاره کرد و از این مطلب شکوه کرده و چنین نوشته است: «قد وقع الفراغ من تنمیق الجزء الاول من ارشاد الاذهان الی احکام الأیمان بتاریخ

مهاجرت عالمان احسائی به بصره

شواهد تاریخی کهنی درباره مهاجرت قبایل عربی، از بحرین قدیم به شهرهای مهم عراق عرب در ادوار گذشته موجود است و در میان شهرهای که توجه بیشتری را به خود جلب کرده است؛ باید از بصره نام برد که محله های خاص در آن مختص به سکونت قبایل مهاجر عبدالقیس به بصره بوده است. ابوالعباس نجاشی در سخن از ابوهفان عبدی، خاندان بنومهمزم را از بیوتات بزرگ شیعه از عبدالقیس معرفی می کند که در بصره سکونت داشته اند. شواهد تاریخی فراوانی در خصوص مهاجرت از منطقه بحرین قدیم به بصره، در منابع مختلف موجود است که شماری از آنها در مباحث کتاب حاضر مورد بحث قرار گرفته است.

تاکید دیگر بر این مسئله و مهاجرت از منطقه بحرین قدیم به بصره را می توان در قرن دهم هجری بر اساس نسخه ای از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی که اکنون به شماره ۱۸۰۸ آیت الله حکیم در نجف نیز دید. در کتابخانه آیت الله حکیم جلد اول و دوم از کتاب مختلف الشیعة تا مقصد سوم از افعال حج موجود است که شخصی به نام ابراهیم بن علی بن ماجد احسائی أصلاً و محتداً و الجزائری منشأً و مولداً و النجفی مسکناً و موطناً کتابت کرده است. بر اساس مطالبی که او در انجامه نسخه در معرفی خود آورده، می توان گفت که پدرش علی بن ماجد احسائی به محله حی الجزائر بصره در قرن دهم مهاجرت کرده و در آنجا سکنی گزیده و فرزندش ابراهیم در بصره به دنیا آمده است و سالهای کودکی خود را در همان شهر سپری کرده است.^۱

یوم الاثنين خامس وعشرين في شهر جمادى الآخر سنة سبعين بعد الألف من الهجرة المصطفوية على مشرفها الف الف صلوة وتحية في شيراز في المدرسة العالية الخانية حرسها من كل بلية على يد الفقير المحتاج الى رحمة الله الغني الغريب في البلدان النائي عن الأهل والأوطان العبد الذليل اقل الخليفة الذي لا شيء في الحقيقة راشد بن علي بن راشد بن حسين ابن علي ابن حسين بن ابي سروال الاوالي غفر الله لهم وللمؤمنين والمؤمنات كافة انه على كل شيء قدير والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً. نسخه بعدها توسط مالک آن بر شیخ احمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حر عاملی مشغری در ۱۱۰۱ خوانده شده است: (أنها قراءة وتحقيقاً وبحثاً في أواخر شهر ذي الحجة سنة ۱۱۰۱، وكتب العبد أحمد الحر العاملی حامداً مصلياً). برای گزارشی از نسخه و تصویری از آن بنگرید به: احمد علی مجید حلی، «مخطوطات العلامة الحلی (۶۴۸-۷۲۶هـ) فی مکتبه الإمام الحکیم العامة (القسم الأول)»، تراث الحلة، السنة الثانية، المجلد الثاني، العدد السادس، ربيع الثاني ۱۴۳۹هـ/ کانون الأول ۲۰۱۷، ص ۳۴۰-۳۴۱، ۳۸۹.

۱ از عالمان امامی قطیفی دیگری که به حی الجزائر مهاجرت کرده می باید از زکریا بن علی بن ابراهیم خطی قطیفی جزائری نجفی حائری نام برد که اطلاعات ما درباره او بر اساس چندین نسخه خطی است که وی کتابت کرده





وی در روزگار جوانی به نجف مهاجرت کرده و در آنجا اقامت گزیده است. در نجف به تحصیل علم مشغول بوده و در همان ایام دوره ای از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی را کتابت کرده که اکنون دو جزء آن در کتابخانه آیت الله حکیم به شماره ۱۸۰۸ موجود است. کتابت جزء اول در ۲۴ شوال ۹۸۳ به پایان رسیده و جزء دوم در روز یکشنبه اول محرم ۹۸۳. در تاریخ مذکور در نجف، مقدس اردبیلی به همراه جمعی از شاگردانش، خاصه شیخ حسن صاحب معالم و صاحب مدارک حضور داشته اند و شیخ علی بن ابراهیم بن ماجد احسانی نیز باید همراه با آنها در محضر مقدس اردبیلی (متوفی ۹۹۳) به تحصیل مشغول بوده باشد و در همان ایام دوره ای از کتاب مختلف الشیعة را کتابت کرده باشد. وی در انجامة جزء اول در اشاره به نسخه ای که در اختیار خود بوده و اساس کتابتش بوده، آن را نسخه به خط خود علامه حلی معرفی کرده و چنین نوشته است:

«... تمّ الجزء الاول من مختلف الشیعة في احكام الشریعة بمنه ولطفه تعالی في رابع جمادی الآخرة سنة تسع وتسعين وستمائة علی يد مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر غفر الله له ولوالديه وللمؤمنین والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين ويتلوه في الجزء الثاني ان شاء الله تعالی كتاب الزکوة وفيه مقاصد الاول من بحث عليه والحمد لله وحده؛ هذا آخر ما كتبه المصنف طاب ثراه في آخر الجزء الاول الذي اشار به اليه، فرغ من تعليقه العبد الضعيف المذنب الجاني ابراهيم بن علي عفى الله عنهما رابع العشرون من شهر شوال ختم بالخير والاقبال سنة ۹۸۳ ثلاثة وثمانين وتسعمائة».

است. وی از جمله اهالی قطفیف است که نخست به حی الجزائر بصره مهاجرت کرده، سپس یک چندی در نجف و سرانجام در کربلاء سکونت گزیده است. در کتابخانه خاندان امام جمعة زنجان به شماره ۴۶ نسخه ای از کتاب الدروس الشرعية في فقه الامامية شهيد اول موجود است که جزء اول آن را در روز سه شنبه قبل از زوال ۱۷ جمادی الاولى ۹۸۹ و پایان کتاب را در روز پنجشنبه ۲۷ جمادی الاولى ۹۸۹ و در کربلا به اتمام رسانده است (برای گزارشی از نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه خاندان امام جمعة زنجانی، ص ۴۳). نسخه ای نیز از کتاب کنز المطالب و بحر المناقب نوشته ولی الله بن نعمت الله حسینی رضوی که در تاریخ ۸ صفر ۹۸۱ در کربلا تألیف شده، در کتابخانه مدرسه فیضیه به شماره ۱۹۱۳ موجود است که زکریا بن علی بن ابراهیم خطی از کتابت آن در روز سه شنبه ۲ جمادی الثاني ۹۸۹ در کربلا فراغت حاصل کرده است (فنخا، ج ۲۶، ص ۸۴۴). همچنین مجلدی از کتاب کافی مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان و الروضة، در کتابخانه مدرسه فیضیه به شماره ۶۱۷ موجود است که زکریا بن علی بن ابراهیم الخطی اصلاً و الجزائر مولداً و النجف قرباً و الکربلا مسکناً و موطناً در ۹۸۹ کتابت کرده است. احتمالاً خانواده او از جمله اهالی قطفیف باشند که پس تسلط عثمانی در ۹۵۷ بر قطفیف و سختگیری های آنها به شیعیان، مجبور به ترک آنجا شده اند و در حی الجزائر بصره اقامت گزیده اند. زکریا در آنجا متولد شد و بعدها به نجف و سرانجام در کربلا ساکن شده است.

کاتب در انجامه جزء اول شهرت خود را نیاوده، اما در انجامه جلد دوم خوشبختانه با تفصیل بیشتری از خود سخن گفته و چنین نوشته است:

«هذا آخر ما اثبته المصنف قدس الله سره وفي حضرة القدس سره في هذا الجزء الثاني وكان الفراغ من تسويد بياضه وتحرير الفاظه بكرة يوم الاحد اليوم الاول من شهر محرم الحرام احد شهور سنة ٩٨٣ ثلاثة وثمانين وتسعمائة من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل افضل التحية بمشهد سيدي وسندي ومولاي والد الائمة الاطهار عليه وعليهم افضل الصلوة واكمل التحيات امير المؤمنين علي بن ابي طالب صلى الله عليه وآله وسلم بقلم العبد الفقير الحقير المذنب الجاني ... تراب اقدام المؤمنين وغبار نعال الصالحين، الغريب في البلاد واضعف العباد، الخائف هول يوم التناد افقر الخليفة، اللاشيء في الحقيقة ابراهيم بن علي بن ماجد الاحساء اصلاً ومحدثاً والجزائري منشأً ومولداً والنجف مسكناً وموطناً عفى الله عنه وعن والديه وعن نظر في خطه وترحم على كاتبه وعن سائر المؤمنين والمؤمنات...»^١

مركزيت علمي نجف در قرن دهم و حضور عالمان برجسته امامي در آنجا، چون محقق كركي (متوفى ٩٤٠) و سپس مقدس اردبيلي (متوفى ٩٩٣) باعث شده بود تا عالمان امامي از مناطق مختلف براي درك محضر آنها به نجف مهاجرت كنند. اطلاعات در باره عالماني كه در اين برهه به نجف مهاجرت کرده اند را، مي توان بر اساس نسخه هايي كه كتابت کرده اند، شناسايي كرد. به عنوان مثال در كتابخانه آيت الله حكيم به شماره ١٦١٧ مجلدي از كتاب تذكرة الفقهاء علامه حلي موجود است، كه عالمي به نام علي بن ابراهيم بن علي قطيفي در

١ بنگريد به: احمد علي مجيد حلي، «مخطوطات العلامة الحلي (٦٤٨-٧٢٦هـ) في مكتبة الامام الحكيم العامة (القسم الثاني)»، تراث الحلة، السنة الثالثة، المجلد الثالث، العدد السابع، رجب الأصب ١٤٣٩هـ/ آذار ٢٠١٨م، ص ٣٢٩-٣٣٠، ٤١٧-٤١٨. نسخة اخير در تملك شيخ عبدالنبي بن سعد جزائري نويسنده كتاب حاوي الأقوال بوده و او در آخر جزء اول انتهائي در خصوص مقابله نسخه در كربلاء به تاريخ ٩٩٨ در كنار انجامه نوشته كه متن آن چنین است: «بلغ مقابلة في المشهد المشرف، مشهد كربلاء على ساكنه السلام، من أوله إلى هنا، كنبه الفقير إلى الله عبدالنبي بن سعد الجزائري وذلك في شهر ذي القعدة سنة ثمان وتسعين وتسعمائة». در آخر جزء دوم نيز گواهي مقابله و تصريح به اين مطلب كه كار مقابله با نسخه اي كتابت شده از روي نسخه اصل انجام شده، در كنار انجامه كتابت آمده است (بلغ مقابله بحسب الجهد والطاقة من أول هذا الجزء إلى ههنا وقول أكثره في كتاب مكتوب على حاشيته: قول بنسخة الأصل التي بخط المصنف دام ظله معارضة محققة مرضية فصيح إلا ما زاغ عنه النظر، وحسر عنه البصر، انتهى، ووقع ذلك في المشهد المشرف كربلاء آخر ضحوة الاثنتين رابع عشر من شوال سنة ثمان وتسعين وتسعمائة، وكتب الفقير إلى رحمة الولي عبدالنبي بن سعد الجزائري عفى الله عنهما).





عصر روز شنبه ۱۱ ذو القعدة ۹۷۸ از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. احتمالاً وی دوره ای از کتاب را کتابت کرده باشد. وی در انجامه کوتاه خود اشاره کرده که در قطف به دنیا آمده و اکنون در نجف ساکن است: (تم کتاب الصلاة من تذكرة الفقهاء بحمد الله وكرمه ویتلوه في الجزء الرابع كتاب الزكاة ان شاء الله تعالى وكان الفراغ من كتابته عصر السبت الحادي عشر من شهر القعدة احد شهور سنة ثمان وسبعين وتسع مائة على يد اقل العباد علي بن ابراهيم بن علي القطيفي مولداً والغروي مسكناً على ساكنه افضل الصلاة والسلام والحمد لله رب العالمين).^۱

نسخه قواعد الاحكام شماره ۱۲۳۵ کتابخانه آیت الله حکیم

دست به دست شدن نسخه های خطی و تملک آنها توسط افراد مختلف بخشی از تاریخ هر نسخه خطی است. در کتابخانه آیت الله حکیم نسخه ای از مجلد اول کتاب قواعد الاحكام به شماره ۱۲۳۵ موجود است که محمد نصیر ابن الشیخ امین الدین حسین نجفی از کتابت آن در غره جمادی الاولی ۱۰۶۴، فراغت حاصل کرده است. شهرت نجفی کاتب دلالت بر این دارد که کاتب در نجف ساکن بوده است. حواشی مختلفی بر نسخه نوشته شده که نشان از خواننده شدن متن توسط مالکان آنها در مجالس درس دارد. یادداشت تملکی از عالمی اوالی به نام علی بن حسین بن محمد بن یوسف بلادی اوالی موالی بحرانی، به تاریخ اول ربیع الاول ۱۱۹۳ بر نسخه درج شده است. وی در زیر یادداشت تملک خود، مطلبی نوشته که نشان از این دارد نسخه مدتی نزدش نبوده است. متأسفانه اشاره ای به واقعه مورد اشاره در متن نیامده، اما به نظر می رسد که باید ماجرا مربوط به حمله خوارج عمان به جزیره اوال باشد و ظاهراً مالک نسخه برای حفظ جان خود مجبور به ترک اوال شده و بعد از برطرف شدن خطر به اوال بازگشته است. یادداشت او چنین است:

۱ بنگرید به: احمد علی مجید حلی، «مخطوطات العلامة الحلی (۶۴۸-۷۲۶هـ) فی مکتبه الإمام الحکیم العامة (القسم الثاني)»، تراث الحلة، السنة الثالثة، المجلد الثالث، العدد السابع، رجب الأصب ۱۴۳۹هـ/ آذار ۲۰۱۸م، ص ۲۶۹-۳۹۵، ۲۷۰. نسخه اخیر بر شیخ احمد مقدس اردبیلی و فرزندانش او وقف شده است، که شاهدهی از ارتباط میان کاتب با حوزه درس او می تواند باشد. برای حوزه درس مقدس اردبیلی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۵۶-۵۷.

«بسم الله، باليوم الثلاثين من شهر ذي الحجة سنة ١١٩٨ هـ كان رجوع هذا الكتاب علينا وإيابه بعد غياب شمسه وزهوق نفسه في الواقعة الواقعة علينا في جزيرتنا أوائل بعيد شهر شوال سنة ١١٩٦ فالحمد لله في الأول والآخر، والصلاة والسلام على محمد وآله الأطهار، أهل الخيم الفخيم، والشرف العظيم، وكتب مالكة علي بن حسين بن محمد البلادي البحراني».

عبارت اخیر نشان از این دارد که نسخه از عراق به جزیره اُوال منتقل شده است و تا ١١٩٨ در دست عالمی از آن جزیره بوده است. یادداشت های تملک دیگر بر نسخه نشان از این دارد که نسخه از اُوال به دست عالمانی از احساء افتاده است. این افراد عبارت اند: احمد بن صالح بن سالم بن طوق که نسخه به تاریخ غره جمادی الآخرة ١٢٤٢ در تملک او بوده؛ عبدالله بن ترکی با تاریخ تملک ١٢٤٥ و سرانجام نسخه بدست شخصیت کتاب دوست احسائی، سید خلیفه ابن مرحوم سید علی موسوی با تاریخ تملک ١٢٤٨ و سید محمد علی ابن مرحوم سید محمد ابن السید خلیفه موسوی رسیده و فرد اخیر متذکر شده که این نسخه یکی از نسخه های کتابخانه آنها در بصره می باشد. بر اساس یادداشت های تملک می توان از کتابت نسخه در نجف، سپس انتقال آن به جزیره اُوال و بخش البلاد القدیمة در آنجا و سپس انتقال نسخه به احساء و بازگشت مجدد آن به عراق - نخست بصره و سپس نجف - سخن گفت.^۱

فتح قطیف و تأثیر آن بر زندگی شیعیان بر اساس نسخه های خطی

تصرف عراق بخشی از تلاش حکومت عثمانی برای مقابله با نفوذ صفویه از یکسو و از سوی دیگر مواجهه با پرتغالی ها بود و این امکان را به عثمانی می داد تا همچنان تجارت زمینی را در بخش مهمی از قلمرو خود حفظ کند. فتح عراق همچنین این امکان را به عثمانی می داد تا بتواند به شکل بهتری با نفوذ پرتغالی ها که اکنون بر هر موز و جزیره اُوال سیطره یافته بودند، مقابله کند و این کار تنها با حمله به احساء و قطیف امکان پذیر بود. از نظر توان دریایی عثمانی دست پایین تری نسبت به پرتغالی ها داشتند و برای آنها جنگیدن در خشکی بسیار

۱ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: احمد علی مجید حلی، «مخطوطات العلامة الحلی (٦٤٨-٧٢٦هـ) فی مکتبة الإمام الحکیم العامة (القسم الثانی)»، تراث الحلة، السنة الثالثة، المجلد الثالث، العدد السابع، رجب الأصب ١٤٣٩هـ/ آذار ٢٠١٨م، ص ٣٠١-٣٠٢.





آسان تر از دریا بود. لذا بعد از فتح عراق عرب، عثمانی به سرعت توجه خود را به احساء و قطیف متمرکز کردند و در فاصله کوتاهی توانستند در ۹۵۴ نخست احساء و در حدود ۹۵۷ قطیف را به تصرف خود درآورند.

در این خصوص آنها همکاری ساکنان دو منطقه مورد بحث را نیز همراه خود داشتند که برای بیرون رفتن از سیطره پرتغالی ها چاره ای جز پناه بردن به عثمانی نداشتند. پرتغالی ها برای تسلط بر احساء، قطیف و اوایل سعی کرده بودند تا از ملوک هرموز و قدرت نظامی آنها بهره گیری کنند؛ لذا حاکم هرموز را بر آن داشتند تا در ۱۰ شعبان ۹۲۷ حمله گسترده ای را به قطیف که مقرر بن زامل در آنجا اقامت داشت، ترتیب دهند و خود نیز او را همراهی کردند. در جریان نبرد مقرر بن زامل با وجود رشادت هایی که از خود نشان داد، مجروح شد و سپس پس از شش روز درگذشت.

نیروهای باقی مانده تحت رهبری فردی به نام شیخ حمید به عقب نشینی کردند و نواحی ساحلی و تاروت به دست پرتغالی ها و نیروهای هرموز افتاد، نیروهای پرتغالی به دلیل بیم از کشته شدن، در همان نواحی ساحلی و استحکامات تاروت اقامت گزیده و ظاهراً نیروهای پادشاه هرموز به بخش های داخلی تر هجوم برده بودند.^۱ ناتوانی خاندان بنوجبر باعث شد تا آنها از خاندان آل مغماس بصره برای مقابله با خطرات روزافزودن ملوک هرموز و پرتغالی ها طلب یاری کنند. راشد بن مغماس از فرصت پیش آمده بهره جست و نخست احساء و بعدها قطیف را تحت سلطه خود درآورد و عنوان «سلطان البصرة و الحسا و القطیف» را یافت.^۲ راشد بن مغماس در ابتدا سعی کرد تا سیطره خود را با برقراری رابطه دوستانه با پرتغالی ها حفظ کند؛ اما اوضاع به سرعت در حال تغییر بود. سلطان سلیمان قانونی برای مقابله با

۱ استاد ارجمند عبدالخاق جنبی (تاریخ التشیع لاهل البیت فی اقلیم البحرین القديم، ص ۵۸۲، پانویس ۷۶۵) در اشاره به شیوه پرتغالی ها در سواحل خلیج فارس نوشته اند: «کان معروفاً عن البرتغالیین أنهم لا یبتعدون کثیراً عن الساحل عند احتلالهم لبعض البلدان، فکانوا یفضلون احتلال الجزائر الصغیرة أو المواضع الساحلیة التي کانوا یبنون فیها قلاعاً خاصة لحمایتهم، ولم یعرف عنهم أنهم کانوا یتعمقون إلى الداخل فی البلیات التي احتلوها».

۲ عبدالقادر بن محمد انصاری خزرجی جزیری (متوفی حدود ۹۷۷) شرح حال کوتاهی از خاندان بنوجبر بعد از کشته شدن شیخ مقرر بن زامل بن حسین بن ناصر جبری در ۹۲۷ آورده که در جایی دیگر دیده نشد. اختلافات خانوادگی و درگیری بر سر قدرت باعث شد تا شیخ راشد بن مغماس از فرصت استفاده کند و بتواند بر احساء و قطیف تسلط پیدا کند. بنگرید به: همو، الدرر الفرائد المنظمة، ج ۲، ص ۳۷۴.



صفویه و پرتغالی ها نخست به عراق عرب لشکر کشید و در ۹۴۱ بغداد را متصرف شد. راشد بن مغماس برای حفظ جایگاه خود چاره ای جز نزدیک شدن به عثمانی را ندید و کلیدهای بصره را به نشانه وفاداری به سلطان سلیمان تسلیم کرد و در مقابل سلطان سلیمان عثمانی نیز حاکمیت او بر مناطق تحت فرمانش را به رسمیت شناخت.

با این حال تلاش های دو گانه خاندان آل مغماس برای حفظ جایگاه خود و داشتن استقلال و از سوی دیگر اضطراب آنها به برقراری نوع روابط با پرتغالی ها که سیطره تجارت در خلیج فارس را دست داشتند، در نهایت باعث شد تا عثمانی در ۹۵۳ با ارسال سپاهی بصره را به اشغال خود درآورند.^۱ اندکی بعد در ۹۵۴ احساء و اندکی بعد در حدود ۹۵۷ قطیف نیز تحت سیطره عثمانی درآمد.^۲ در سالهای بعد برخی از زعمای محلی قطیف سعی کردند تا خود را از قید عثمانی برهانند، اما شورش های آنها سرکوب شد و مجبور به فرار به اوال شدند. در این میان عثمانی نیز بارها سعی کردند تا بر جزیره اوال تسلط یابند، هر چند در این کار ناکام ماندند. متأسفانه اطلاعات ما درباره جزیره اوال در این تاریخ و نیمه نخست قرن دهم هجری و روابط آنها با عثمانی از یکسو و از طرف دیگر با پرتغالی ها اندک است. تلاش های نظامی عثمانی ظاهراً تنها در عرصه نظامی برای سیطره بر جزیره اوال محدود نبوده است و روابط محرمانه ای با بزرگان و امیر جزیره اوال برقرار بوده است.

دست کم متن نامه ای از سلطان سلیمان قانونی (متوفی ۹۷۴) به امیر جزیره اوال به نام رئیس مراد در دست است که در پاسخ به اظهار مودت او به سلطان سلیمان قانونی، که

۱ برای فتح بصره بنگرید به: عبدالکریم بن عبدالله منیف وهبی، العثمانيون و شرق شبه الجزيرة العربية «إيالة الحسا» ۹۵۴-۱۰۸۲هـ / ۱۵۴۷-۱۶۷۱م، (ریاض، ۱۴۲۴)، ص ۱۲۲-۱۲۸.

۲ اطلاعات تاریخی در خصوص اشغال دو منطقه احساء و قطیف اندک است، اما شواهد موجود به خوبی دلالت بر این دارد که دو منطقه مورد بحث تحت اشغال عثمانی بوده و اهمیت خاصی برای سیاست های عثمانی در مقابله با پرتغالی ها و صفویه داشته است. کما اینکه والیان عثمانی بر دو منطقه مورد بحث با تلاش های مختلفی جهت مقابله با شیعه اهتمام داشته اند و در این کار همان سیاست جابه جایی جمعیتی که خاندان بنو جبر نیز آن را به اجرا درآورده بودند، دنبال می کرده اند. آنها خاندان های سنی را به مهاجرت به مناطق تحت تصرف خود تشویق کرده و از آنها با ساخت مدارس و مساجد و تعیین موقوفات برای آنها حمایت کرده اند. در هفوف مسجدی به نام مسجد دبس موجود است که والی عثمانی احساء در سال ۹۶۳ به نام محمد پاشا بنا کرده است. برای بحث از اشغال احساء و قطیف بنگرید به: عبدالکریم بن عبدالله منیف وهبی، العثمانيون و شرق شبه الجزيرة العربية «إيالة الحسا» ۹۵۴-۱۰۸۲هـ / ۱۵۴۷-۱۶۷۱م، (ریاض، ۱۴۲۴)، ص ۱۲۸-۱۴۹.



شخصی به نام خواجه شرف‌الدین حسن بن ایوب آن را به باب عالی برده، نوشته شده است. متأسفانه نامه فاقد تاریخ است و دربارهٔ مراد خان حاکم جزیرهٔ اوال نیز اطلاع خاصی نداریم، جز آنکه وی تا سال ۹۶۱ که سیدی علی کاتب از جزیرهٔ اوال دیدار کرده، حاکم جزیرهٔ اوال بوده است. محتملاً نامه باید پیش از حملات عثمانی‌ها به جزیرهٔ اوال که در ۹۵۹ و به فرماندهی پیری رئیس آغاز شده بود، نوشته شده و بخشی از تمهیدات عثمانی‌ها برای تسلط بر جزیرهٔ اوال در نبرد با پرتغالی‌ها بوده باشد.^۱ در هر حال حملهٔ رئیس علی به جزیرهٔ اوال ناکام مانده بود و پرتغالی‌ها نسبت به وقوع آن پیش از حملهٔ اطلاع یافته بودند و رئیس علی نیز که بعد از شکست به قاهره رفته بود، در همانجا به جرم خیانت در ۹۶۱ اعدام شده بود. حملات بعدی عثمانی در سالهای بعد، خاصه حملهٔ تحت فرماندهی سیدی علی رئیس (متوفی ۲ جمادی الاولی ۹۷۰) نیز با شکست روبرو شد و او خود توانست با دشواری‌های فراوانی با بخشی از همراهانش بعد از چهار سال زندگی دشوار در رجب ۹۶۴ خود را به استانبول برساند که شرحی از مصائب خود را در کتاب مرآت الممالک آورده است.^۲ حملهٔ عثمانی در ۹۶۶ که گزارش یکی از افسران حاضر در حمله را از آن داریم، نیز با عدم موفقیت روبرو شد و مراد رئیس گرچه پیشتر با باب عالی نامه نگاری کرده بود و ابراز وفاداری کرده بود، در این زمان جانب حاکم هرموز را گرفت و از آنها برای مقابله با عثمانی کمک خواست. ظاهراً بیم مراد رئیس آن بود که عثمانی‌ها به وعده‌های داده شده به او عمل نکنند، لذا برای حفظ مقام خود سعی کرد تا همچنان به ملوک هرموز وفادار بماند. احتمالاً مهاجران قطیفی و احسانی که بعد از فتح مناطق خود مجبور به مهاجرت به جزیرهٔ اوال شده بودند، او را نسبت به بدرفتاری والیان عثمانی آگاه کرده باشند.

۱ متن نامه را فریدون بیگ در کتاب منشآت السلاطین آورده و فیصل عبدالله کندری آن را همراه با توضیحاتی در مقاله «رسالة السلطان سلیمان القانونی إلى حاکم البحرين»، مجلة دراسات الخليج و الجزيرة العربية، السنة ۱۹، العدد ۷۷، ۱۹۹۵، ص ۸۱-۱۰۶ آورده است. دربارهٔ حملات پیری رئیس برای فتح اوال و گزارش‌های موجود در اسناد عثمانی بنگرید به: فاضل بیات، البلاد العربية فی الوثائق العثمانية: أواسط القرن العاشر الهجری / السادس عشر الميلادی (استانبول: مرکز الأبحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الإسلامية، ۲۰۱۱)، ج ۲، ص ۲۹۳-۳۰۴.

۲ دربارهٔ سیدی رئیس علی بنگرید به: فیصل عبدالله کندری، «رسالة السلطان سلیمان القانونی إلى حاکم البحرين»، مجلة دراسات الخليج و الجزيرة العربية، السنة ۱۹، العدد ۷۷، ۱۹۹۵، ص ۹۲-۹۶.

در گزارش افسر عثمانی حاضر در حمله ۹۶۶ آمده که آنها پس از رسیدن به بحرین یعنی جزیره اُوال از ۱۳ تا ۲۶ رمضان قلعه بحرین را در محاصره گرفته، با اهالی بدفعات منازعه کرده بودند. در ۲۶ رمضان در پی ورود ۲۲ کشتی فرنگی (پرتغالی) عثمانیان تقویت قوا کرده از ینی چریان بغداد، دو کشتی پر از نیرو کرده، بفرماندهی یکی از امرای خود بنام محمد بیگ به تعقیب ۱۲ کشتی فرنگی فرستادند. فرنگیان حيله کرده راه فرار در پیش گرفتند. یکی از کشتیهای عثمانی سه روز کشتی را تعقیب کرده، بدون رسیدن به آن بازگشت و به محض رسیدن یک کشتی فرنگی که ذخیره بود به سوی آن آتش گشود و آذوقه فراوان که در کشتی عثمانی بود به آب افتاد و نابود شد. تعدادی از امرای عثمانی نیز بقتل رسیدند. پس از مدتی عثمانیان با فرنگیان طرح صلح انداختند و با استفاده از کشتی هایی که از فرنگیان به اجاره گرفته بودند، فوجی از دواطلبان ینی چری مقیم بغداد را به قلعه بحرین انتقاد داده و آنها را به تصرف خود درآوردند. قرار بر آن دادند که در قلعه بحرین بمانند و لو به قیمت از بین رفتن بر اثر گرسنگی.

افسر عثمانی در اینجا مخمسی به ترکی درج کرده که خودش درباره بحرین سروده و بند اول آن این است: وادی بحرین جایی است مهلک و مشکل / قوم آن جمله رافضی و با کفار یکسان اند / عسکر ناموافق و سردار بی تدبیر است / دستگیر ما اکنون فقط شمشیر است / آنچه در پیشانی ما نوشته شده پیش می آید زیرا تقدیر چنین است. در ادامه افسر عثمانی به مشکلات صلح با فرنگیها اشاره می کند. حاکم هرموز که ایرانی بوده، مانع از صلح فرنگیان با عثمانیان می شود، به نوعی که عثمانیان عملاً در مخمصه قرار می گیرند و از شدت کمبود قوت مجبور می شوند مدتی خرما و گوشت الاغ مصرف کنند. فرنگیان در مذاکرات به عثمانیان تکلیف می کنند، که یکی از امرای خود را به عنوان گروگان به قلعه هرموز بفرستند، ولی نویسنده این گزارش و فرمانده فوج عثمانی به نام رئیس مراد در نامه ای تهدید آمیز به فرنگیان و حاکم هرموز خاطر نشان می کند که آماده جنگ اند و با فوج قلیلی که همراه دارند بر مجموعه ای از اعراب و اعجام و فرنگیان غلبه خواهند کرد، در غیر این صورت در راه اسلام بدست آن کفار و ملحدان شهید خواهند شد.





در اثنایی که عثمانیان بالاخره تصمیم می‌گیرند چند تن از امرای خود را به عنوان گروگان به هرموز فرستاده و با عقد صلح با فرنگیان از بحرین خارج شوند، خبر مرگ فرمانده ایشان در حینی که نویسنده در هرموز بوده، منتشر می‌شود. نویسنده گزارش در هرموز محبوس می‌شود و حاکم هرموز که قصد داشته او را بقتل برساند، بر او که مقام ایلچی داشته، رحم کرده و آخر الامر میان قوای عثمانی و حاکم هرموز و نیز حاکم قطیف بنام سلطان علی، پیمان صلحی منعقد می‌شود و نیز در ۵ صفر ۹۶۷ بقایای قوای عثمانی، با کشتی پرتغالی از لحسا به قلعه قطیف منتقل شده و از بحرین خارج می‌شوند. افسر عثمانی تصریح می‌کند که قوای عثمانی در تمام رمضان ۹۶۶ به جز خرما چیزی نخوردند و مدت چهار ماه در قلت و تنگنا بوده‌اند.^۱

عثمانی نسبت به ساکنان شیعه احساء و قطیف، سیاست‌های سخت در پیش گرفت. مالیات‌های مختلفی که والیان عثمانی ظاهراً تنها به دلیل شیعه بودن ساکنان این دو منطقه از آنها دریافت می‌کردند؛ مصادره اموال شیعیان بعد از مرگ آنها و اشکال دیگر تعدی نسبت به شیعیان، باعث شد تا در کنار تلاش‌های نظامی، برخی افراد کم‌تر به مهاجرت از زادگاه خود بیندیشند. درباره مهاجرت‌های رخ داده، تنها گزارش‌هایی در سالنامه‌های عثمانی در خصوص دو منطقه قطیف و احساء در دست است. اما شواهد دیگری در خصوص مهاجرت از احساء و قطیف به عراق عرب را می‌توان در نسخه‌های خطی که عالمان مهاجر کتابت کرده‌اند، یافت. البته در مدارک اخیر تصریح صریحی به علت مهاجرت نمی‌توان دید، اما تقریباً مشخص است که ترک زادگاه با توجه به علاقه و شوق اهالی بحرین قدیم به زادگاهشان، بیشتر باید ناشی از فشارهای عثمانی به آنها باشد. تطابق تاریخ زمانی مهاجرت با تسلط عثمانی بر دو منطقه احساء و قطیف، شاهد دیگری است که احتمال مهاجرت به دلیل سیاست‌های سختگیرانه عثمانی نسبت به شیعیان بوده است.

۱ چنگیز اورهانلو گزارش افسری که در جریان حمله ۹۶۶ به جزیره اوال را در مقاله‌ای منتشر کرده و مطالب نقل شده از مقاله او به لطف دوست عزیزم کیومرث قرقلو بود که بخش‌های نقل شده را برای بنده ترجمه کرد. فاضل بیات متن این گزارش را به ترکی و عربی در کتاب البلاد العربیة فی الوثائق العثمانیة، ج ۲، ص ۳۱۰-۳۱۶ آورده، اما اشعار آمده در گزارش که در آن افسر عثمانی درباره اهالی جزیره اوال سروده را حذف کرده است و هیچ اشاره‌ای به این کار خود نکرده و تنها در ترجمه عربی به جای عبارت حذف شده، سه نقطه گذاشته است.

از میان مناطقی که عالمان مهاجر از احساء و قطیف برای سکونت مورد توجه قرار داده اند، منطقه حى الجزائر بصره مى باشد. عالمى به نام زكريا بن على بن ابراهيم خطى قطيفى جزائرى نجفى حائرى را مى شناسيم كه چندین نسخه خطى كتابت کرده است. وی از جمله اهالى قطيف است كه خانواده اش نخست به حى الجزائر بصره مهاجرت کرده و او در آنجا دیده به جهان گشوده است. وی سپس يك چندی در نجف و سرانجام در كربلاء سکونت گزیده است. در کتابخانه خاندان امام جمعه زنجان به شماره ۴۶ نسخه ای از کتاب الدروس الشرعية فى فقه الامامية شهيد اول موجود است كه جزء اول آن را در روز سه شنبه قبل از زوال ۱۷ جمادى الاولى ۹۸۹ و پايان كتاب را در روز پنجشنبه ۲۷ جمادى الاولى ۹۸۹ و در كربلا به اتمام رسانده است.^۱ انجامه آمده در آخر جزء اول چنین است:

«...تم الجزء الاول من كتاب الدروس والله الموفق ويتلوه ان شاء الله الجزء الثاني كتاب المكاسب وكان فراغه يوم الثلاثاء قبل الزوال يوم سابع عشر من جمادى الاول على يد اقل عباد الله واحوجهم الى رحمة الله زكريا بن علي بن ابراهيم القطيفي اصلاً والجزائري مولداً والنجفي مسكناً والحائري منشأ عفا الله عنهما وعن من يدعو لهما بالمغفرة وذلك في سنة تسعة وثمانين وتسعمائة هجرية».^۲

در انجامه آخر كتاب به شكل کوتاه ترى كاتب خود را معرفی کرده و از نکات مهمی كه در پايان جزء اول آمده، سخنى نگفته و تنها چنین نوشته است:

۱ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشكوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه خاندان امام جمعه زنجانی، ص ۴۳.

۲ ساکنان منطقه بحرین قدیم عموماً در کار تجارت نیز دستی داشته اند اما متأسفانه این مطلب به شکل روشنی در آثار كتابت شده توسط آنها مورد اشاره قرار نگرفته است، اما به نظر می رسد حضور آنها در مناطق تجاری را بتوان قرینه ای بر این ادعا دانست. حسن بن علی بن حسن بن علی بن حسین الحسین البحرانی التوبلی است كه در عصر سه شنبه هفتم ذی القعدة ۹۷۰ از كتابت نسخه ای از تنزیه الانبياء سید مرتضى فراغت حاصل کرده است. نسخه اخير در ضمن مجموعه ۲۴۵ در كتابخانه آیت الله مرعشى موجود است و آخر مجموعه نیز خطبة البيان را در يكشنبه هشتم ذی القعدة ۹۷۱ در جزیره جرون كتابت کرده است. جزیره جرون یکی از مراكز تجاری در این دوران است و احتمالاً كاتب در کنار توجه به امور علمى در كار تجارت نیز دستی داشته است. انجامه كاتب در پايان تنزیه الانبياء چنین است:

«...وقع الفراغ من تسويد هذه المقدمة اعني تنزیه الانبياء عليهم السلام عصر الثلاثاء سابع ذو القعدة الحرام سنة ۹۷۰ سبعين وتسعمائة على يد العبد الفقير حسن بن علي بن حسن بن علي بن حسين الحسيني البحراني التوبلي غفر الله له ولوالديه والمؤمنين مالكة وكاتبه ولعن الله غاصبه فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدولونه ان الله سميع عليم».

«حررت علی ید العبد الفقیر الحقیر المعترف بالعجز والتقصیر زکریا بن علی بن ابراهیم الخطی
وكانت کتابتها فی کربلاء صلوات الله علی مشرفها وكان ذلك آخر نهار الخمیس فی یوم سابع
وعشرون من جمادی الاول سنة تسعة وثمانون وتسعمائة هجرية نبوية صلوات الله علی مشرفها
افضل الصلوة والسلام والحمد لله رب العالمین آمین الله آمین آمین.»

کم کتاب کتبتہ بییدی تبلی یدی وبقی الکتاب
فاذا مت فاکتبوا فوق قبری رحم الله من یلی فی التراب
اموت وبقی کل ما قد کتبتہ فیالیت من یقرأ کتابی دعا لی»

نسخه ای نیز از کتاب کنز المطالب و بحر المناقب، نوشته ولی الله بن نعمت الله حسینی
رضوی که در تاریخ ۸ صفر ۹۸۱ در کربلا تألیف شده، در کتابخانه مدرسه فیضیه به شماره
۱۹۱۳ موجود است، که زکریا بن علی بن ابراهیم خطی از کتابت آن در روز سه شنبه ۲
جمادی الثانی ۹۸۹ در کربلا فراغت حاصل کرده و در انجامه، ضمن نقل انجامه اصل کتاب،
در اشاره به مکان و فراغت از کتابت نسخه توسط خود، چنین نوشته است:

«وكان ابتداء الشروع فی جمع هذا الكنز فی شهر ذی القعدة الحرام فی ثامن عشر شهر صفر ختم
بالخیر والظفر سنة احدى وثمانین وتسعمائة فی جوار السبط الشهيد والامام الرشید ابی عبدالله
الحسین صلوات الله وسلامه علیه وكان الفراغ من كتابة هذا الكنز المبارك یوم الثلاثاء و فی یوم ثانی
فی جمادی الثانی سنة تسعة وثمانین وتسعمائة هجرية نبوية صلوات الله علی مشرفها افضل الصلوة
والسلام. تمّ الکتاب علی ید الاقل الأنام بل احقر من الذرة فی الضلام زکریا بن علی بن ابراهیم
الخطی اصلاً و الجزائر مولداً و النجفی مسکناً وكان کتابته فی کربلاء والحمد لله رب العالمین.»

همچنین مجلدی از کتاب کافی مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان و الروضة در کتابخانه
مدرسه فیضیه به شماره ۶۱۷ موجود است که زکریا بن علی بن ابراهیم الخطی اصلاً و الجزایری
مولداً و النجفی قریباً و الکربلابی مسکناً و موطناً در ۹۸۹ کتابت کرده است. احتمالاً خانواده
او از جمله اهالی قطیف باشند، که پس تسلط عثمانی در ۹۵۷ بر قطیف و سختگیری های

آنها به شیعیان مجبور به ترک آنجا شده اند و در حی الجزائر بصره اقامت گزیده اند. زکریا در آنجا متولد شد و بعدها به نجف و سرانجام در کربلا ساکن شده است.^۱

روستاهای بحرین قدیم بر اساس انجامه های نسخه های خطی

شمار فراوانی از نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان و کاتبان منطقه بحرین قدیم در دست است که در آنها کاتب به محل کتابت نیز اشاره کرده است، اما مشکل مهم در خصوص این دسته از نسخه های خطی آن است که محل کتابت عموماً به دلیل ناآشنایی فهرستنگاران با نام های ذکر شده، از قلم افتاده و یا به شکل نادرستی در فهرس آمده است. نام مکان های تاریخی ذکر شده در انجامه های نسخه های خطی فایده دیگری نیز دارد؛ شواهد تاریخی درباره برخی مکان های تاریخی که روزگاری وجود داشته اند، اما اکنون در گذر زمان از بین رفته اند. بررسی نسخه های کتابت شده در منطقه بحرین قدیم از این منظر اهمیت خاص خود را دارد. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجلدی از کتاب مسالک الافهام شهید ثانی موجود است که فردی به نام محمد بن مبارک بن محمد بن صالح بحرانی نزیل در روستای بنی جمره در ذی الحجۃ ۹۹۱ کتابت کرده است. روستای بنی جمره از روستا های مشهور جزیره اوایل است؛ با این حال مرحوم احمد منزوی نام روستا را نبی حمزه خوانده است.^۲



۱ مسئله مهاجرت اهالی بحرین قدیم به عراق عرب یا ایران مسئله ای است که نیازمند تأمل بیشتری می باشد. در این خصوص نیز عمده اطلاعات ما بر اساس نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان مهاجر است. گردآوری اطلاعات این دسته از نسخه های خطی که عالمان بحرین قدیم کتابت کرده اند، می تواند ابعاد بیشتری از مسئله مهاجرت آنها را روشن کند. به عنوان مثال نسخه ای از کتاب الرجال ابن داود حلی در کتابخانه خاندان امام جمعه زنجانی به شماره ۳۲۹ موجود است که فردی به نام محمد بن عبدعلی اوالی در نهم ربیع الاول ۹۶۴ در مشهد از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر شاهی بر سفر وی به ایران است، اما آیا وی در ایران اقامت گزیده یا بار دیگر به اوایل بازگشته، متأسفانه نمی توان به صراحت سخنی گفت. برای گزارشی از نسخه و تصویر انجامه آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه خاندان امام جمعه زنجانی، ص ۲۶۹-۲۷۰. مهاجرت عالمان اوالی به شهرهای ایران و پراکندگی آنها نیز نیازمند بررسی است، که باز تنها منبع اصلی در این خصوص تملکات و انهاءات آنها بر نسخه های خطی می باشد. در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۳۷۶۴ نسخه ای از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام موجود است که احمد بن صالح بحرانی در جمادی الاولی ۱۱۱۰ در شهر جهرم بلاغ مقابله بر آن نوشته است: (بلغ قبلا من اوله ... والنسخة المقابلة منها لا تخلو من سقم ... ذلك ضحی يوم الثلاثاء من شهر جمادی الاول سنة ۱۱۱۰ بقلم الفقیر الحقیر المعترف بالذنب والتقصیر احمد بن صالح البحرانی بمحروسة جهرم).

۲ احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران، ۱۳۴۶ش)، ج ۱۲، ص ۱۸۶-۱۸۷. درباره روستای



انجامه نسخه کتابت شده نیز جالب است؛ کاتب در انجامه چنین نوشته است: «وکتب هذه المسودة فرعاً أقل من اقتفى اثر الاسلام بالدليل القطعي عبده الاصغر عملاً والاكبر جرماً وزلاً محمد بن المبارك بن صالح بن محمد البحراني نزيل بني جمرة نهار اليوم المذكور في كلام المصنف عصره حادي عشر اواسط شهر الحج لسنة احدى وتسعين وتسعمائة غفر الله له ولوالديه والمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات انه قدير غفور أمين أمين أمين أمين».

احتمالاً کاتب دوره ای از کتاب مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام را کتابت کرده و باید در میان دیگر نسخه های کتاب به جستجو پرداخت و محتمل است که بتوان دیگر مجلدات مسالک را به خط او یافت. توجه به آثار شهید ثانی در میان عالمان منطقه بحرین قدیم، از همان روزگار شهید ثانی وجود داشته و شماری از نسخه های خطی از آثار شهید ثانی را می شناسیم که توسط عالمان منطقه بحرین قدیم کتابت شده و گاه اطلاعات تاریخی قابل تأملی حتی درباره شهید ثانی در آنها می توان یافت. درباره تاریخ شهادت شهید ثانی اکنون به لطف منابع و اطلاعاتی که در اختیار داریم، می دانیم که آن عالم بزرگوار در ۸ شعبان ۹۶۵ به شهادت رسیده است، اما خبر شهادت وی با فاصله زمانی به گوش عالمان و شیعیان رسیده است.^۱ خبر شهادت زین الدین تا میانه و یا حتی اواخر سال ۹۶۶ در مناطق شیعی رواج نیافته است. شاهدی بر این مدعا نسخه ای از کتاب مسالک الافهام (مشمول بر کتاب طهارت تا آخر کتاب الحج) است که در رمضان ۹۶۶ در نجف کتابت شده و کاتب که از اهالی قطیف و ساکن در نجف بوده، از زین الدین با عبارت هایی دعایی دال بر حیات او یاد کرده و در انجامه نسخه خود چنین نوشته است:

«..تمّ القسم الاول من كتاب شرائع الاسلام وهو قسم العبادات وبه تمّ الجزء الاول من هذا التعليق على يد العالم العامل، قدوة المحققين ووارث علوم الأئمة الراشدين، جمال الملة والحق والدين والدنيا الشيخ الفاضل الكامل زين الدين بن علي بن علي بن احمد الشامي العاملي وفرغ منه

بنی جمزه بنگرید به: عبدالخالق جنبی، تاریخ التشیع لاهل البیت فی اقلیم البحرین قدیم، ص ۱۳۶.

۱ برای بحث از گزارش های مربوط به شهادت شهید ثانی و تحلیل و بررسی آنها بنگرید به: Devin J Stewart, "The Ottoman Execution of Zain al-Din al-'Amili," Die Welt des Islam, vol. 48 (2008), pp.289-347.

یوم الاربعاء لثلاثة مضت من شهر رمضان سنة احدى وخمسين وتسع مائة من الهجرة الطاهرة النبوية صلوات الله تعالى على من شرفت به ونسأل من الجواد الكريم بحقه عليه وبحق ما نراه عليه حقاً ان تصل عليه وعلى آله الطاهرين وان يوفق لاكماله ونجعله خالصاً لوجهه موجباً لرضاه واقباله نافعاً كاصله للمستفيدين وذخراً ناجحاً يوم الدين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين.

وكان الفراغ من تسويدها عصر يوم الثلاثاء لعشر بقين من شهر الله الأعظم احد شهور سنة ست وستين وتسعمائة على يد أقل العباد (در زیر این عبارت به خط ریزتری کاتب نام خود را چنین ذکر کرده است) علی بن ابراهیم بن علی بن حسن المهراس القطیفی الهجری محتداً ومولداً وأحوجهم إلى رحمة اللطيف الجواد وكان فراغها ونساختها بالمشهد المشرف الغروي صلوات الله عليه مشرفه أمير المؤمنين علي بن ابي طالب وعلى أولاده السادة الطاهرين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليماً كثيراً برحمتك يا ارحم الراحمين»^۱.

اطلاعاتی در باب خاندان آل عیثان بر پایه نسخه های خطی

از خاندان های مهم احسانی که اهل روستای قاره احساء می باشند، خاندان آل عیثان است. دست کم بیش از سیصد سال است که این خاندان در احساء حضور دارند و در برخی ادوار تاریخی به ایران مهاجرت کرده و در شیراز سکونت داشته اند. با این حال اطلاعات تاریخی درباره این خاندان، عموماً محدود به یادداشت ها و تملکات آنها بر نسخه های خطی است که زمانی در اختیار این خاندان بوده است و آنچه که در کتابهای تراجم نیز در خصوص آنها نگاشته شده، عموماً بر اساس همین دست اطلاعات است، هر چند در فهرست نویسی نسخه هایی که زمانی در تملک افراد این خاندان بوده، گاه مطالب بسیار مهمی از قلم افتاده است و تنها با بررسی مجدد نسخه های خطی می توان امید داشت که اطلاعات جا افتاده از نگاه فهرست نگاران را بدست آورد.^۲

۱ بنگرید به: فهرس مخطوطات مكتبة الخطيب الشيخ علي حيدر المؤيد الخاصة في قم المقدسة (بيروت: مؤسسة الهادي للتحقيق و النشر، ۱۹۹۹/۱۴۲۰)، ج ۱، ص ۴۱۹ که تصویر انجامه نسخه آمده است.
۲ بنگرید به: هاشم محمد شخص، أعلام هجر من الماضين والمعاصرين (قم: دار التفسير، ۱۳۸۸/۱۴۳۰ ش)، ج ۱، ص ۷۱۱-۷۲۳ که مطالبی درباره شیخ حسین آل عیثان را بر اساس آنچه که یافته، آورده است.





از این دست مطالب، یادداشت‌هایی است که بر نسخه ۹۲۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مشتمل بر جلد اول و دوم کتاب غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام سید نعمت‌الله جزائری آمده است، که به دلایل چندی نسخه‌ای جالب توجه است و متأسفانه مطالب چندی در خصوص معرفی این نسخه در فهرست نویسی از قلم افتاده است.^۱ همین‌گونه مجموعه مهم دیگری به شماره ۹۲۴۵ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است که بخش مهمی از آن توسط حسین بن محمد آل عیثان، در دورانی که در کربلا به تحصیل مشغول بوده، کتابت شده و مشتمل بر اطلاعات بسیار مهمی درباره وی و ارتباط وی با فقیهان معاصر اوست که می‌تواند پرتوی تازه‌ای بر اندیشه‌ها و افکار این عالم اخباری بیفکند. حسین بن محمد آل عیثان نسخه اخیر را میان سالهای ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۰ که در کربلا اقامت داشته شده، کتابت کرده است. در ادامه به اهمیت و گزارش مجموعه اخیر باز خواهیم گشت.

نسخه ۹۲۴۹ دانشگاه تهران و اهمیت آن برای شناخت شیخ حسین آل عیثان

نسخه ۹۲۴۹ که مشتمل بر جلد اول و دوم کتاب غایة المرام سید نعمت‌الله جزائری می‌باشد، به عنوان نسخه‌ای بدون کاتب معرفی شده است. در حالی که در سنت کتابت نسخه‌های خطی، کاتب نسخه نام خود را در انجامه یعنی پایان نسخه ذکر می‌کند، در نسخه اخیر کاتب و مالک نسخه در انجامه هیچ اشاره‌ای به خود نکرده و در ابتدای نسخه در یادداشتی که به معرفی کتاب و نام آن پرداخته، خود را مالک و کاتب نسخه معرفی کرده و چنین نوشته است:

«هذا هو المجلد الاول والثاني من كتاب غایة المرام فی شرح تهذیب الاحکام تألیف جدي العلامة اعلی الله فی دار الخلد مقامه مالکه کاتبه الفقیر الی الله محمد هادی ابن عبدالله بن نور الدین بن نعمت الله الموسوي غفر الله ذنوبهم».

همین مطلب باعث شده، تا نام وی به عنوان کاتب از چشم استاد ارجمند مرحوم دانش پژوه بدور بماند. نکته بعدی یادداشت‌های تملک نسخه است. نسخه را در ۱۲۱۱ قمری،

۱ بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ش)، ج ۱۷، ص ۳۳۰-۳۳۱. تظنن به این نسخه و اهمیت آن حاصل تذکر دوست گرامی آقای رسول جزینی است.

محمد بن علی بن ابراهیم بن عیثان احسانی در تهران خریداری کرده و یادداشت تملک خود را بر نسخه چنین ثبت کرده است:

«بسم الله؛ ثم دخل في ملك مملوك المالك المسي محمد بن علي بن ابراهيم الهجري الاحسائي القاري سنة ١٢١١ في محروسة طهران».

در زیر یادداشت تملک اخیر، فرزند وی به نام حسین بن محمد بن علی احسانی یادداشت کوتاهی در خصوص تملک خود بر نسخه نوشته است و نسخه را سهم الارث خود دانسته است: (ثم انتقل الى ابنه الجاني حسين بالارث الشرعي). در کنار دستخط تملک شیخ محمد بن علی بن ابراهیم هجری، یادداشت دیگری نیز از فتحعلی شیرازی (زنده در ۱۲۶۲) عالم نامور اخباری شیراز در قرن سیزدهم درج شده است.^۱ او تأکید دارد فردی که یادداشت تملک خود را بر نسخه نوشته، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم بن عیثان بحرانی (متوفی ۱۲۱۸) است. یادداشت فتحعلی شیرازی همچنین شاهی بر این است که وی نزد شیخ محمد بن علی احسانی تلمذ کرده است. فتحعلی شیرازی در یادداشت خود چنین نوشته است:

«هذا خط شيخنا و استادنا العلم العلامة الفاضل الفقيه، المحدث الزمان الشيخ محمد بن علي بن ابراهيم بن عيثن البحراني - قدس سره - ... كتب المذنب الجاني، نجل السلطان المغفور كريم خان زند، فتحلي في محرم سنة ١٢٥٨».

در برگ بعدی نسخه، یادداشتی در خصوص وقف نسخه بر طلاب علوم دینی توسط محمد حسین بن عیثان احساوی آمده که متن آن چنین است:

۱ فتحعلی زند صاحب کتابخانه ای مفصل بوده و تملک او بر شمار متعددی از نسخه های خطی موجود است، از جمله نسخه الارشاد شیخ مفید در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۷۲۲۰ و یا کتاب الاربعین فی اصول الدین فخررازی که به شماره ۶۸۹ در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران موجود است. نام وی در فهرست دانشکده الهیات به درستی خوانده نشده و به جای فتحعلی زند از او به «وکیل فتحی نجل محمد کریم خان زند» یاد شده است. بنگرید به: فهرست گان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲، ص ۹۹۱. مجموعه ۷۶۵ کتابخانه مجلس از مجموعه اهداتی سید محمد صادق طباطبائی نیز از مملکات فتحعلی از احفاد کریم خان زند بوده و مورخ شب نوروز ۱۲۶۲ است. بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی: شامل کتب خطی مجموعه اهداتی سید محمد صادق طباطبائی، ج ۲۳، بخش اول، ص ۴۹. همچنین در کتابخانه مدرسه امام صادق علیه السلام شهر چالوس نسخه ای از کتاب مسالک الافهام شهید ثانی کتابت علی بن محمد بن حسن کاتب خوراسکانی که در میانه صفر ۱۰۳۵ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده موجود است که زمانی در تملک فتحعلی نجل السلطان المبرور و الخاقان المغفور محمد کریم خان زند در شیراز به تاریخ ۱۲۵۵ بوده است. بنگرید به: محمود طیار مراغی، فهرست نسخه های خطی مدرسه امام صادق علیه السلام چالوس (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱ش)، ص ۱۴۵.





«وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی نمود این مجلد غایت المرام را مرحمت و غفران پناه، رضوان و جنت آرامگاه محمد حسین الاحسائی بن عیثان بر کافه طلاب علوم دینیّه از فرقه ناجیه اثنا عشریه و تولیت آن را تفویض نمودند بر افقه و اعلم و اورع از اولاد ذکور خود و در صورت عدم ایشان، اولاد اولاد ایشان و بعد از انتقراض اولاد اولاد ایشان و هکذا ما تناسلوا و تعاقبوا و اگر انتقراض شوند - العیاذ بالله - ذکور، اولاد اناث خود ... و العیاذ بالله تفویض فرمودند بافقه جامع شرایط فتوی متوطن در نجف اشرف علی مشرفه الآف التحیه و الثناء وفقاً صحیحاً شرعياً من حیث لا یبیع و لا یراهن»^۱.

نکاتی درباره شرح حال شیخ محمد آل عیثان

تاریخ دقیق مهاجرت شیخ محمد بن علی آل عیثان به ایران دانسته نیست، اما بر اساس شماری از تملکات او می دانیم که دست کم پیش از ۱۱۶۸ در شیراز سکونت داشته و در همین سال نسخه ای از کتاب شرح الملخص فی الهیئة البسیطة را خریداری کرده و نسخه اخیر به شماره ۶۵۰ در کتابخانه ملک موجود است. محمد بن علی بن عیثان، مکان خرید نسخه را شیراز ذکر کرده و در یادداشت تملک بر نسخه چنین نوشته است:

«هذا الكتاب هو المسمى بشرح الجغمینی للإمام الرومی فی نوبة أقل عباد الله المنان محمد بن علی بن إبراهیم بن عیثان الأحسائی بالاشترای الشرعی بدار العلم شیراز سنة ۱۱۶۸».

او تا چند سال در همان شیراز و مناطق اطراف آن اقامت داشته است. در کتابخانه مدرسه مروی، نسخه ای از کتاب الاستبصار شیخ طوسی موجود است که شخصی به نام ملا محمد صادق شیرازی پیش از ۱۱ محرم ۱۱۷۶ خواندن آن را نزد وی شروع کرده است. در سال ۱۱۷۷ محمد بن عیثان، برای مدت یک سال به قصد مجاورت به مشهد رفته است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۲۱ مجموعه سید محمد صادق طباطبائی مجلدی از شرح سید نعمت الله جزائری بر صحیفه سجادیه به نام نور الانوار موجود است که در تملک محمد بن علی بن عیثان بوده و او در یادداشتی که بر آخر نسخه نوشته، به مجاورت خود در مشهد اشاره کرده و چنین نوشته است:

۱ به نظر می رسد که شمار نسخه هایی که توسط شیخ حسین آل عیثان وقف شده باید قابل توجه بوده باشند جز آنکه در حال حاضر تنها دو نسخه از این مجموعه شناسایی شده است.

«بسم الله المالك لكل مملوك؛ هذا الكتاب شرح الصحيفة السجادية تأليف السيد الأجل سيدنا السيد نعمة الله بن سيد عبدالله الحسيني الجزائري^۱ ملك الأقل تراب نعال العلماء العاملين محمد بن علي بن إبراهيم بن عيثنان الأحسائي بالاشتراف الشرعي في المشهد المقدس الرضوي، على ساكنه الصلاة والسلام والإكرام وذلك عام مجاورتي به، رجب سنة ۱۱۷۷».

بعد از یکسال مجاورت در شیراز، محمد بن علی بن عیثنان بار دیگر به شیراز بازگشت و تا سال ۱۱۷۸ در شیراز بود، چنانچه محمد صادق شیرازی ادامه کتاب الاستبصار را نزدش خوانده و در یازدهم ذی القعدة ۱۱۷۸ اجازة روایت کتاب را از وی اخذ کرده بود و شیخ محمد بن علی بن عیثنان در چندین جای نسخه انهاء دال بر قرائت متن توسط محمد صادق شیرازی را برای او نوشته است.^۱ ظاهراً به واسطه آشوب های سیاسی و نزاع میان خاندان زند، او مجبور به ترک شیراز و اقامت در روستای ده کشک از توابع فیروز آباد شده بود و در آنجا فرزندش به نام بهاء الدین دیده به جهان گشوده است.^۲ شیخ محمد بن علی بن عیثنان برای تحصیل علم به جزیره اُوال سفر کرد و در ۱۱۸۲ در روستای شاخوره اقامت داشته است و در همین مدت نسخه ای از کتاب شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب را کتابت کرده که اکنون به شماره ۹۴۳ مجموعه سید محمد صادق طباطبایی در کتابخانه مجلس موجود است. وی در انجامه کتاب تاریخ و مکان فراغت از کتابت نسخه را چنین ذکر کرده است:

«وقع الفراغ من تسويد هذا الكتاب بعون الملك الوهاب علي يد أقل الطلبة عملاً وأكثرهم زللاً، الغريق في بحر الذنوب والعصيان محمد بن علي بن عيثنان الأحساوي القاري في قرية الشاخورة، أحد قرى البحرين، المعمورة بالعلماء زادها الله إيماناً وتوفيقاً، بتاريخ يوم السابع من

۱ برای متن انهاءات مورد بحث بنگرید به: محمد علی حرز، «الحركة العلمية الأحسانية في شیراز: أسرة آل عیثنان نموذجاً»، الموسم (زينة المحافل في سير الأفاضل) ۱۵۲، ج ۳، ۲۰۲۰/۱۴۴۱، ص ۷۶۰-۷۶۱

۲ نسخه ۶۵۰ کتابخانه ملک، زمانی در اختیار لطف علی مشهور به صدر الافاضل بوده است. مرحوم صدر الافاضل نسخه ای از کتاب وسائل الشيعة را در اختیار داشته که زمانی در تملک شیخ محمد بن علی بن عیثنان بوده و یادداشتی در خصوص تاریخ تولد فرزندش بهاء الدین، بر آن نوشته که مرحوم صدر الافاضل آن را در نسخه ۶۵۰ کتابخانه ملک بازنویسی کرده که چنین است: «رأيت تاريخ مولد الشيخ الفاضل بهاء الدين بن محمد بن علي بن إبراهيم بن عيثنان بخط جناب الشيخ محمد والده المعظم في ظهر كتاب وسائل الشيعة وهي مقابل النظر ونقل من خطه إلى هذه الصفحة: «ولد الأعز بهاء الدين بن محمد بن علي بن إبراهيم بن عيثنان يوم الجمعة في الساعة الرابعة منه سابع عشر شهر رجب المرجب سنة ۱۱۷۹، التاسعة والسبعين والمئة والألف بقريه ده كشك من فيروز آباد من أعمال شیراز»، حرره لطف علي غفر له ۱۱۳۴۲».





الاسبوع الرابع من الشهر الثامن من السنة الثانية من العشر التاسعة من المائة الثانية بعد الألف من الهجرة».

در همین دوران بود که محمد بن علی بن عیثان در مجلس درس شیخ حسین بن محمد آل عصفور (متوفی ۱۲۱۶) و شیخ یوسف بن احمد بن ابراهیم آل عصفور بحرانی (متوفی ۱۱۸۶) حضور یافته است. نسخه ۹۲۴۵ دانشگاه تهران، نشانگر آن است که شیخ حسین آل عیثان بعد از مدتی که در شاخوره و جزیره اُوال اقامت داشته، برای ادامه تحصیل به کربلا مهاجرت کرده و حدود یک سال، در میانه ۱۲۰۹ تا ۱۲۱۰ در آنجا اقامت داشته است و سپس به ایران بازگشته است. نسخه غایه المرام شماره ۹۲۴۹ دانشگاه تهران، شاهدی مهم بر این است که شیخ محمد بن علی بن عیثان بار دیگر به ایران بازگشته است، هر چند تاریخ بازگشت او را نمی دانیم، اما وی پیش از ۱۲۱۱ که در تهران نسخه غایه المرام را خریداری کرده، به ایران بازگشته است. احتمالاً حضور او در تهران در راه بازگشت یا سفر به مشهد بوده باشد و محتملاً وی همچنان در شیراز اقامت داشته است.

مجموعه ۹۲۴۵ دانشگاه تهران و اطلاعات مهم آن درباره شیخ حسین آل عیثان

همانگونه که دیدیم نسخه های خطی کتابت شده یا تحت تملک خاندان آل عیثان، مشتمل بر اطلاعات سودمندی در خصوص این خاندان است و بر اساس مطالب آمده در این دسته از نسخه ها، می توان تصویر دقیقتری از خاندان آل عیثان و گرایش های فکری آنها بدست آورد. مجموعه ۹۲۴۵ اثری بسیار مهمی است که تصویری متفاوت و جالب توجه از شیخ حسین بن محمد آل عیثان در اختیار ما قرار می دهد که بر اساس آن می توانیم از روابط او با فقیهان اخباری و اصولی معاصرش، که از چهره های قدر و درگیر در منازعه ای خونین با یکدیگر بودند، پرده برداشته و از وجود جریانی میان دو خط اخباری و اصولی نشانی بیابیم.

مجموعه اخیر به شکل بسیار موجزی توسط مرحوم دانش پژوه معرفی شده و بسیاری از فواید علمی آن از قلم افتاده است.^۱ نخست وقف نامه ای است که همانند وقف نامه ۹۲۴۹

۱ بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ش)، ج ۱۷، ص ۳۲۹-۳۳۰.



و توسط همان شخص، بر ظهر نسخه آمده و نشان از این دارد که شماری از کتابهایی که در تملک شیخ حسین آل عیثان بوده، بعد از مرگش بر طلاب علوم دینی وقف شده است. نخستین رساله مجموعه، مقدمات الحدائق الناضرة شیخ یوسف بحرانی (متوفی ۱۱۸۶) است که کسی در ۱۲۱۴ آن را کتابت کرده و در حواشی نسخه مطالب متعددی آمده که نشان از این دارد، نسخه مادر و اساس کتابت نسخه ای بوده که یکی از شاگردان صاحب حدائق نزد او خوانده و در آغاز رساله اخیر در اشاره به شیخ یوسف از او و کتابش چنین یاد کرده است: «هذه الرسالة المسماة بمقدمات الحدائق من تصانیف العالم الفاضل المقدس الرباني والحجّزب الذي ليس يدانيه مداني، والحبر الفهامة الذي ليس له في زمانه ثاني، شيخنا وقدوتنا الشيخ يوسف بن المبرور الشيخ أحمد البحراني أهطل الله على رمسه صيب الرضوان السبحاني بمحمد وآله السبع المثاني».

رساله بعدی، مصادر الانوار میرزا محمد بن عبدالنبی اخباری نیشابوری هندی (متوفی ۱۲۳۳) است که شیخ حسین بن محمد آل عیثان در کربلا و هنگامی که در آنجا اقامت داشته، برای استفاده خود کتابت کرده است. ظاهراً در تاریخ مذکور میرزا محمد اخباری نیز در کربلا ساکن بوده است.^۱ شیخ حسین آل عیثان در انجامه نسبتاً مفصل مصادر الانوار چنین نوشته است:

«تمّت فاتحة مصادر الأنوار بتاريخ ليلة السابع من شهر شعبان المعظم أحد شهور العاشرة بعد المائتين والألف من الهجرة النبوية على مهاجرها ألف ألف سلام وألف ألف تحية، في مشهد خامس أهل العبا جناب سيد الشهداء أبي عبدالله الحسين، عليه وعلى آبائه وأبنائه أشرف السلام، وأفضل

۱ شیخ حسین آل عیثان، ارجوزه ای در بیان اجتهاد و اخبار دارد که در آن از میرزا محمد اخباری به «محمد الهندی» یاد کرده و خود را نیز چنین معرفی کرده است:

«و بعد فالجاني حسين القاري
يقول يا قوم اسمعوا مقالي
نجل ابن عيثن الفقي الأخباري
حقاً أقول ليس بالمحال
قد قال خير الدّين للكهف الأظل
محمد الهندي مولانا الأجل»

نسخه ای از ارجوزه اخیر به شماره ۸۷۴۴/۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. برای گزارشی از مجموعه ۸۷۴۴ کتابخانه مجلس بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۸، ص ۲۳۹-۲۴۱. برای گزیده ای از ارجوزه فی الاجتهاد و الاخبار شیخ حسین آل عیثان بنگرید به: سید هاشم الشخص، اعلام هجر، ج ۱، ص ۷۱۹-۷۲۳.



التحیة ویتلوها مبحث الأجتهد من کتاب لسان الخواص تصنیف جناب العلامة الفهامة مولانا الآقا رضي القزويني، بقلم الأقل الأحقر أقل المؤمنین عملاً وأكثرهم زللاً غریق لجة الذنوب والخطايا والعصیان حسین بن محمد بن علی بن إبراهیم بن عیثان الأحسائي القاري المضي' عفي عنه وعن والديه وعن أخوانه من المؤمنین والمؤمنات بمحمد وآله الهداة ويرحم الله عبداً قال آمین».

رسالة بعدی همانگونه که در انجامة مصادر الانوار از آن سخن رفته، لسان الخواص فی تحقیق الاجتهاد رضی الدین محمد بن حسن قزوینی (متوفی ۱۰۹۶)، اثری در اصول فقه بر منهج اصولی ها می باشد. شیخ حسین بن محمد آل عیثان از کتابت رساله اخیر بدون اشاره به مکان کتابت، در شعبان ۱۲۱۰ فراغت حاصل کرده، هر چند می توان محتمل دانست که این اثر را نیز در کربلا کتابت کرده باشد. وی در انجامة اشاره کرده که بخشی از کتاب لسان الخواص که مورد نیاز او بوده، استنساخ کرده و چنین نوشته است:

«تمّ ما أردته من کتاب لسان الخواص تألیف الآقا رضي القزويني وأنا غریق بحر الخطايا والذنوب والعصیان والعايم في المردیات والمهلکات والمویقات والطغیان حسین بن محمد بن علی بن إبراهیم بن عیثان الأوالی الموالی حامداً مصلياً مسلماً».

رسالة بعدی، شرح مناظره ای در باب امامت با یکی از عالمان اشعری است که تصریحی به نام عالم امامی در آن نیامده، اما می دانیم که رساله اخیر یکی از آثار میرزا محمد اخباری باشد که نسخه های دیگری نیز دارد، کما اینکه مسلم است رساله اخیر نباید از تألیفات شیخ حسین بن محمد آل عیثان باشد، که دانسته است به هند سفر نکرده است. در آغاز رساله اشاره شده که مناظره اخیر میان کاتب و یکی از عالمان اشعری رخ داده، که به خواهش دوستی

۱ روستای مضر از روستای اطراف مجاور به روستای قاره در احساء می باشد که اکنون به دلیل توسعه روستای قاره، بخشی از آن شده است، کما اینکه محتمل است نام محله ای در خود روستای قاره بوده باشد. دوست عزیز محمد علی حرز در اشاره به مضر و موقعیت جغرافیایی آن چنین نوشته اند: «... بلدة القارة كانت تحيط بها عدد من الأحياء والقرى الصغيرة التي اندثر بعضها ودخل ضمن النطاق العمراني لبلدة القارة البعض الآخر. ومن هذه الأحياء قرية مضر، التي كانت تقع في محيط الجبل وينتسب إليها الشيخ الفقيه أحمد بن محمد بن فهد المضي القاري (كان حياً سنة ۸۰۶ هـ) أحد أعلام الطائفة وشيوخها الكبار في القرن التاسع الهجري ... ومضر من الأحياء القديمة في قرية القارة وقد اندثرت اليوم وموقعه بالنسبة للقارة القديمة أيام ما كانت مسورة يقع في جنوب القارة، يحده من الغرب فريق الخريشة ومن الشمال فريق الصفية ومن الشرق فريق المقصب التابع لفريق الرحل، ومن الجنوب جبل رأس القارة تل المشقر. تغير اسمه في أواخر القرن الثالث عشر أو أوائل القرن الرابع عشر إلى فريق المطاوعة».

مکتوب شده، در حالی که نویسنده رساله در شهر سورت از سرزمین گجرات بوده است (کنت فی بلدة سورت من أرض الجوزات).

رساله پنجم پاسخ هایی به پرسش های عالمی است که فارسی و عربی است و بعد از این رساله، یادداشت تملکی از شیخ حسین آل عیثان بر نسخه به همراه مهر او با سجع «عبدہ الراجی حسین بن محمد» درج شده است: (کیف أقول هذا ملکی ولله ملک السموات والأرض، وأنا غریق بحر الذنوب والخطایا والعصیان حسین بن محمد بن علی بن عیثان الأحسائی). رساله ششم، شرح ایبات شیخ علی بن عبدالله بن فارس است که شیخ احمد احسائی در ۱۲۰۷ تألیف کرده است. در انجامه رساله اخیر کاتب که میرزا محمد بن عبدالنبی اخباری نیشابوری است، متذکر شده که رساله را از روی نسخه اصل و به خواهش شیخ حسین آل عیثان در آخر ذی القعدة ۱۲۰۹ کتابت کرده است.

کتابت رساله اخیر شاهی مهمی از روابط گرم میان شیخ حسین و میرزا محمد اخباری است. میرزا محمد اخباری در انجامه رساله اخیر ضمن سخن از زمان اتمام کتابت در اشاره به شیخ حسین آل عیثان چنین نوشته است:

«انتهی صورة خطه دامت إفادته، وحررها القنّ الجاني أبوأحمد محمد بن عبدالنبي بن عبدالصانع الأخباري النيسابوري الخراساني عفى عنه بأمر ... الروحاني والشقيق العقلائي العلم العلامة الرباني الأملعي اللوذعي البريء من كل مين الشيخ حسين بن الشيخ الأجل الشيخ محمد بن علي بن عیثان الأحسائي ثبتته الله تعالى بالقول الثابت في الحياة الدنيا والآخرة وكان الفراغ في آخر ذي القعدة سنة ۱۲۰۹».

رساله هفتم پاسخ به پرسشی است که شیخ محمد بن عبدعلی آل عبدالجبار قطیفی (متوفی ۱۲۵۳) از شیخ احمد احسائی پرسیده است. رساله اخیر را شیخ حسین آل عیثان خود کتابت کرده و هر چند که به مکان استنساخ اشاره ای نکرده، اما باید کتابت رساله اخیر مربوط به دوران اقامت او در کربلا باشد. رساله هشتم، پاسخ به پرسش های سید محمد بن عبدالنبی بن عبدالعلی قاری احسائی از شیخ احمد احسائی است که شیخ حسین بن محمد آل عیثان خود کتابت کرده است: (نمّقتها الجاني حسین بن محمد بن علی بن عیثان الأحسائي





عفی عنه وعن والديه والمؤمنين). رساله نهم مجموعه ۹۲۴۵، پاسخ های شيخ احمد احسائي به پرسش های شيخ علي بن عبدالله بن فارس است که در سال ۱۲۰۸ توسط شيخ احمد احسائي پاسخ داده شده است. رساله اخير نيز توسط شيخ حسين آل عيثن در ۲۸ ذی القعدة ۱۲۰۹ کتابت شده است: (کتبها منشئها سنة ۱۲۰۸، نمقها الجاني حسين بن محمد بن عيثن الأحسائي في الليلة الثامنة والعشرين من شهر ذي القعدة الحرام سنة ۱۲۰۹ عفی عنه وعن المؤمنین في مشهد سيد الشهداء عليه وعلى آبائه وأبنائه ألف تحية وثناء).

رساله بعدی یعنی رساله دهم، رساله في عدالة الشاهدين از سيد علي بن محمد علي طباطبائي (متوفی ۱۲۳۱) است. شيخ حسين آل عيثن در انجامة رساله اخير در يادداشتی نسبتاً بلند چنین نوشته است:

«تمّ ما أردنا نقله من تعريف العدالة من شرح مولانا سيد علي أدام الله أيام إفادته علي رؤوس تلامذته، بحق محمد الأمين وعترته الأكرمين أمين أمين لا أرضى بواحدة حتى أضيف إليها ألف آمينا، نمقه العبد المذنب المجرم المجرح غريق بحر الذنوب والخطايا والعصيان والأكثر زللاً من جميع المخلوقات من الملائكة والأنس والجاني حسين بن محمد بن علي بن إبراهيم بن عيثن الأحسائي عام مجاورته عند خامس آل العباء عليه وعلى آبائه وأبنائه آلاف التحية والثناء سنة ۱۲۱۰. الخط يبقی سنيناً بعد كاتبه وكاتب الخط تحت التراب مدفوناً».

انجامة رساله اخير تصریحی از خود شيخ حسين آل عيثن است که نشان از اين دارد وی حدود یک سال در میانه ۱۲۰۹ و ۱۲۱۰ در کربلا به قصد مجاورت اقامت داشته و نزد عالمان ساکن در شهر، چه اخباری و اصولی تلمذ کرده است. همچنین وی حواشی نسبتاً مبسوطی بر رساله اخير نوشته است. رساله بعدی یعنی رساله یازده رساله في تزويج البنت الرضية للمحرمة از محمدباقر بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶) است که شيخ حسين بن آل عيثن کتابت کرده است. رساله دوازدهم بخشی از شرح کتاب الوافي ملا محسن فيض کاشانی در باب معاملات به قلم سيد محمد مهدي بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲) است. شيخ حسين در آخر رساله اخير به شکل کوتاهی از سيد محمد مهدي بحر العلوم یاد کرده است: (هذا شرح الوافية لجناب السيد محمد مهدي دام مجده العالي). رساله سیزدهم بخشی از شرح کتاب الوافي

در باب حقیقت و مجاز از سید محمد مهدی بحر العلوم است. رساله چهاردهم بخشی از شرح کتاب الاجاره کتاب الوافی ملا محسن فیض کاشانی است که سید محمد مهدی بحر العلوم تألیف کرده است.

رساله پانزده، رساله الناسخ و المنسوخ احمد بن عبدالله مشهور به ابن متوج بحرانی است، که سید محمد موسوی آن را کتابت کرده و در آخر آن باز یادداشت تملکی از شیخ حسین آل عیثان: (من منّ منّ علی عبدالحجّانی حسین بن محمد بن علی العیثانی الأحسانی) همراه با سجع او (عبدہ الراجی حسین بن محمد) آمده است. رساله شانزده اثری در باب تعارض بین وجوب و حرمت است که شیخ حسین بن محمد آل عیثان آن را به امر استادش شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء تألیف کرده و در آغاز رساله از وی چنین یاد کرده است:

«قد أمرني الشيخ الأفخر والمولى الموقر الذي امتثال أمره فرض من الله على كافة البشر من حر وعبد وذكر وأنتي، شيعي وأستاذي ومنّ عليه بعد الله في عويص المسائل اعتمادا، الشيخ محمد جعفر...»
در آخر نسخه شیخ حسین آل عیثان از استادش شیخ جعفر بن خضر بن یحیی کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸) طلب اجازه روایت کرده است. اجازه اخیر در سال ۱۲۱۹ بوده که شیخ جعفر کاشف الغطاء برای مدتی در تهران اقامت داشته است. شیخ جعفر در اجازه خود به شیخ حسین آل عیثان او را چنین توصیف کرده است:

«وبعد، فإني لما وردت دار السلطنة طهران، وبما سرّرت من أفهام العلماء الأعيان، رأيت من بينهم فخر الأقران ونخبة هذا الزمان، الغني عن التعريف والتوصيف والتبيان، جليل القدر، عميق الفكر، عظيم المنزلة، رفيع البيان، الجامع لفنون العلم، والحائز لوصلة السبق في مضمار البيان، العلم الزكي، والعطر الألمي، ذا القدر العلي، والفخر الحلي، ولدنا وعمادنا الشيخ حسين البحراني، كئنا على علم أو شمس تنكشف من غياهب الظلم؛ فأجزته أن يروي عني ساير الأخبار المروية...»

همین گونه اجازه روایتی از شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء برای شیخ حسین آل عیثان در این مجموعه آمده است. مجموعه ۹۲۴۵ از حیث نشان دادن روابط میان عالمان اخباری و اصولی، در دوره مورد بحث اهمیت فراوانی دارد و نشان از این دارد که جریانی در





میان عالمان اخباری وجود داشته که در کنار حفظ برخی از اصول فکری خود، متأثر از جریان اصولی نیز بوده اند.

درباره شیخ حسین آل عیثان دانسته است که با دربار قاجار نیز ارتباط داشته و کتابی به نام تحفة الملک المنصور فی شرح الحدیث المشهور که مراد حدیث طینت است، به نام فتحعلی شاه در ۱۲ ذی الحجة ۱۲۳۴ تألیف کرده است.^۱ حضور هر دو فقیه در طهران بی ارتباط با مناقشات میان اخباریان و اصولیان در عراق نبوده است، هر چند از مقدمه رساله تحفة الملک المنصور شیخ حسین آل عیثان می توان دریافت که وی در تهران ساکن بوده است. شاهد دیگری که در باره اقامت شیخ حسین آل عیثان در تهران در دست می باشد، مطلبی است که شاگرد نزدیک او، فتحعلی سبط محمد کریم خان زند، در آغاز مجموعه ای موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی بیان کرده است. در این کتابخانه مجموعه ای به شماره ۳۲۷۸ مشتمل بر دو کتاب هدایة الابرار الی طریق الائمة الاطهار شیخ حسین بن شهاب الدین عاملی کرکی (متوفی ۱۰۷۶) و منبع الحیة فی حجیة قول المجتهد من الاموات سید نعمت الله جزائری موجود است. روی برگ اول یادداشتی است متضمن اینکه کاتب در ماه ربیع الثانی ۱۲۲۹ در تهران بنویشتن شروع کرده و به استادش شیخ حسین آل عیثان نیز اشاره کرده و ظاهراً از نسخه ای که در اختیار استادش بوده، برای خود استنساخ کرده است. فتحعلی زند در اشاره به شیخ حسین آل عیثان او را «استادی المحقق، المحدث الكل في الكل، العالم الباذل الفاضل الرباني...» یاد کرده است.^۲

شیخ جعفر کاشف الغطاء سعی داشت تا راه نفوذ میرزا محمد اخباری بر شاه و تلاش او برای کسب حمایت او را سد کند؛ آیا شیخ حسین آل عیثان که از نزدیکان میرزا محمد اخباری

۱ از کتاب تحفة الملک المنصور تنها یک نسخه در کتابخانه امیر المؤمنین نجف به شماره ۱۵۴۶ موجود است که ظاهراً نسخه اصل باشد. از دیگر آثار شیخ حسین آل عیثان، کتاب النجوم الزاهرة فی احکام العترة الطاهرة است که از تألیف آن در ۱۲۲۸ فراغت حاصل کرده و در آخر آن چنین گفته است: «فقد تم المجلد الثاني من کتاب النجوم الزاهرة فی احکام العترة الطاهرة بتاريخ عصر يوم الثلاثاء خامس شهر شعبان المعظم من شهر سنة ۱۲۲۸ علی يد مؤلفه، غریق الذنوب والخطايا والعصیان حسین بن محمد بن علی بن عیثان الأحسائي البحراني». همچنین برای تألیفات شیخ حسین آل عیثان بنگرید به: سید هاشم الشخص، اعلام هجر، ج ۱، ص ۷۱۶-۷۱۷.

۲ لازم است تا به اصل نسخه مراجعه شود. در معرفی نسخه تاریخ فراغت از استنساخ هدایة الابرار چهارشنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۵۰ و کتاب دوم جمعه ۲۰ ذی الحجة ۱۲۵۲ در شیراز ذکر شده است.

بوده، به دلیل مشابهی در تهران حضور یافته است؟ اجازه ای که شیخ جعفر و فرزندش به شیخ حسین آل عیثان داده، نشان می دهد که مسئله ظاهرا چنین نبوده است و شیخ حسین آل عیثان در عین دوستی با میرزا محمد اخباری، روابط بسیار گرمی با شیخ جعفر کاشف الغطاء داشته که در آن سالهای بحرانی از او طلب اجازه روایت کرده است؛ درخواستی که با پاسخ مثبت شیخ جعفر کاشف الغطاء همراه بوده است.^۱

روستای فارسی اوال و عالمی از اهالی آن

از پدیده های مهم در منطقه بحرین قدیم، از بین رفتن برخی روستاها در گذر زمان و مهاجرت اهالی آن به مناطق دیگر است، که به دلایل مختلفی رخ داده است؛ مثلا در بخش های احساء و قطیف، حرکت مداوم شن های روان و ناتوانی در مهار آنها، یا از میان رفتن منابع تأمین آب شرب، از جمله مهمترین علل در از بین رفتن برخی روستا هستند. از جمله شواهد تاریخی مهم در خصوص وجود چنین روستاهای، نسخه های خطی هستند که عالمان اهل روستا های مورد بحث کتابت کرده و اکنون به دست ما رسیده است. از روستاهای مهم جزیره اوال که اکنون نشانی از آن باقی نمانده، روستای فارسی است که خوشبختانه از احوال آن بر اساس چند نسخه ای که یکی از عالمان اهل آنجا کتابت کرده و به دست ما رسیده، اطلاعاتی داریم؛ یعنی محمد بن حرز بن سلیمان بن علی بن حسین فارسانی بحرانی را می شناسیم. وی مجلدی از کتاب مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، نوشته سید محمد بن علی موسوی عاملی (متوفی ۱۰۰۹)، موجود در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد به شماره ۱۸۹۲ مشتمل بر آغاز کتاب تا صلاة مسافر را کتابت کرده است و از استنساخ بخش موجود در ۲۵ ربیع المولود ۱۰۷۶ فراغت حاصل کرده است.

۱ شیخ حسین آل عیثان کتابی به نام النجوم الزاهرة فی احکام العترة الطاهرة دارد که جلد دوم آن را در ۱۲۲۸ به اتمام رسانده و در کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۸۰ اشاره ای به آن شده است. ظاهرا کتاب اخیر در دو جلد باشد. انجامه کتاب چنین است: «فقد تم المجلد الثاني من کتاب النجوم الزاهرة فی احکام العترة الطاهرة، بتاريخ عصر يوم الثلاثاء خامس شهر شعبان المعظم من شهر سنة ۱۲۲۸ علی يد مؤلفه، غریق الذنوب والخطايا والعصیان حسین بن محمد بن علی عیثان الأحسائي البحراني». در معرفی مجموعه ۹۲۴۵ از مقاله در دست انتشار دوست گرامی، استاد محمد علی حرز بهره برده ام که در مجله تراثنا منتشر خواهد شد.





محتمل است که مجلداتی دیگری از کتاب مدارک را نیز وی کتابت کرده باشد، جز آنکه در میان نسخه‌هایی از این کتاب، که در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) آمده، نامی از وی نیافتیم و اگر وی مجلدات دیگری از این کتاب را کتابت کرده باشد، تنها از طریق مقایسه خط وی در نسخه ۱۸۹۲ با نسخه‌های دیگر، می‌توان آن مجلدات را در صورت وجود شناسایی کرد. نسخه در تملک افراد مختلفی از جمله شیخ جعفر بن عبدالله بحرانی و ابی الحسن سلیمان بن عبدالله بحرانی ماحوزی بوده است. شیخ سلیمان ماحوزی تاریخ تملک خود بر نسخه را ۷ صفر ۱۱۰۵ ذکر کرده است. شهرت فارسانی توسط فهرست نویس به خطا، فادشانی خوانده شده است.^۱

در کتابخانه آیت الله حکیم، مجلدی از کتاب ایضاح الفوائد فخر المحققین مشتمل بر جلد دوم به شماره ۱۰۸۰ موجود است که محمد بن حرز بن سلیمان بن علی بن حسین فارسانی بحرانی در ظهر ۱۷ صفر ۱۰۹۰ از کتابت آن فراغت حاصل کرده است. نسخه را شخصی به نام محمد بن یوسف حلی در ۱۱ ربیع الاول ۱۰۹۰ در حله، با نسخه‌ای دیگر که تاریخ فراغت از کتابت آن روز شنبه ۱۵ محرم ۹۹۱ بوده، مقابله کرده است. نسخه بعدها در تملک محمد بن علی بن حیدر نعیمی بحرانی بوده و بعدها در تملک عالم نامور احسائی، سید محمد علی خلیفه احسائی و به تاریخ ۱۲۴۳، سید عبدالله بن سید محمد علی سید خلیفه احسائی یادداشتی بر روی نسخه نوشته که کتاب به پدرش تعلق داشته است.^۲

روستای ندید احساء و برخی عالمان آن

یکی از مسائلی که در خصوص برخی مکان‌ها در گذر زمان وجود دارد، محقق شدن آنها به بخش‌هایی دیگر از مناطق مجاور در نتیجه توسعه است. به عنوان مثال در جزیره اُوال، به

۱ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: محمود فاضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (مشهد، ۱۳۶۱ش)، ج ۳، ص ۹۴۸-۹۴۹.

۲ برای گزارش بیشتر از نسخه و تصویر انجامه آن بنگرید به: احمد علی مجید حلی، «مخطوطات فخر المحققین (۶۸۲-۷۷۱هـ) فی مکتبه الإمام الحکیم العامة (۱۳) نسخه»، تراث الحلة، السنة الثالثة، العدد التاسع، محرم الحرام ۱۴۴۰هـ/ ایلول ۲۰۱۸م، ص ۴۲۰-۴۲۱، ۴۴۱ پانویس ۳، ۴۴۵. همین کتاب مجلدی از تفسیر سید هاشم بحرانی به نام الهادی و ضیاء النادی / مصباح النادی را در ۱۰۸۱ کتابت کرده که در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

دلیل توسعه مکان های مجاور البلاد القديم، که زمانی مناطق حاشیه ای یا نزدیک به آنجا بوده اند، اکنون بخشی از بلاد القديم به حساب می آیند. در برخی مواقع، بخش های الحاق شده، همچنان به نام قدیم خود شهرت دارند، اما گاه بخش الحاق شده دیگر نام و نشان قدیمی را ندارد. در بخش احساء، روستای مهمی به نام قاره - در شرق شهر هفوف از شهر های مهم احساء - وجود دارد که از مناطق مهم علمی تا روزگار ما می باشد، در نزدیکی آن، روستاهای متعددی بوده که برخی از آنها تا کنون نیز باقی مانده اند، چون روستاهای تیمیه؛ دالوه و تویش. اما برخی از روستایی که اطراف قاره قرار داشته اند، اکنون از میان رفته و به دلیل توسعه روستای قاره، بخشی از آن شده اند، جز آنکه هویت و نشان دقیق روستاهای الحاق شده، به دلیل از بین رفتن شواهد تاریخی، محل و بحث جدل است.

از میان روستاهای اطراف قاره که رجال نامداری در طول تاریخ از آن برخاسته اند، باید به روستای ندید اشاره کرد. روستای ندید که به نظر در شمال قاره و سر راه منتهی به روستای تویش قرار داشته، تا میانه قرن سیزدهم هجری موجود بوده است و در میان وثائق نام و نشانی از آن را می توان دید. روستای ندید یکی از مراکز اقامت و مهاجرت برخی سادات مهاجر از مدینه به احساء بوده است. ظاهراً بعد از تسلط یافتن عثمانی بر حجاز، برخی سادات برای زندگی راحت تر و دور شدن از تنش های مذهبی که مقامات عثمانی ایجاد کرده بودند، تصمیم به مهاجرت به بخش های دیگری از حجاز را گرفته بودند؛ قاره و روستاهای اطراف آن، یکی از جمله مکان هایی بود که به دلیل موقعیت جغرافیای و آب و هوای خوب، مورد توجه این دسته از مهاجران قرار گرفته بود.

از جمله سادات مهاجر به روستای ندید، که به لطف آثار کتابت شده توسط او، اطلاعاتی درباره اش داریم، سید حسین بن علی بن محمد حسینی احسانی ندیدی است. از میان آثاری که وی کتابت کرده می توان به محاسن الکلمات فی معرفة النیات و صیغ العقود و الايقاعات شیخ حسین بن مفلح صیمیری (متوفی ۹۳۳) اشاره کرد، که نسخه ای از آن به شماره ۲۵۲ در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان موجود است. تاریخ فراغت از کتابت محاسن الکلمات جمعه ۱۷ رجب ۹۸۹ است. وی در انجامه آن چنین نوشته است:



«... تمّ ما قصدنا ايراده والحمد لله حق حمده وصلى الله على من لا نبي بعده محمد وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً مباركاً طيباً وكان الفراغ من كتابة هذه المقدمة المباركة ضحى يوم الجمعة سابع عشر شهر رجب سنة تسع وثمانين وتسعمائة على يد العبد الفقير الحقير المحتاج الى رحمة ربه الكريم عبده المذنب حسين ابن السيد علي بن السيد محمد الحسيني الاحسائي النديدي مسكناً والحمد لله رب العالمين».

شهرت احسائي نديدي به دليل شكل نگارشی آن در نسخه اخير به خطا «اختیاری بذبدي» خوانده شده و فهرست نگار تردید خود، در خصوص قرائت دو شهرت اخير را با گذاشتن علامت پرسش در کنار آن، متذکر شده است.^۱ سيد حسين نديدي نسخه ای دیگر نیز کتابت کرده و آن شرح الكافية است که به شماره ۱۵۰ در کتابخانه مدرسه مروی موجود است. وی در انجامه بخش نخست کتاب به شهرت و نام خود اشاره کرده و تاریخ فراغت از کتابت نیمه نخست نسخه را چنین ذکر کرده است:

«وهذا آخر قسم المعربات من الاسماء والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على نبيه محمد وآله وصحبه اجمعين؛ وفق لتمام نسخه نصف هذه النسخة الشريفة الفقير الى عفوره ورضوانه المناني الفقير حسين بن السيد علي بن السيد محمد ابن السيد احمد النديدي الحسيني الاحسائي اصلح الله احوال كاتبه وحقق آماله، ضحى يوم الاثنين اول يوم شهر رجب سنة اثنين وتسعين وتسعمائة سائلاً من الله سبحانه ان ينتفع به المسترشدين وأن يجعله ذخراً لنا الى يوم الدين حامداً لله تعالى ومصلياً على رسوله وآله /برگ ۱۰۷ الف/».

در پایان بخش دوم نسخه، کاتب ضمن اشاره به احوال ناخوش خود و بیمار بودن: (وکتبت من اوله الى آخره وأنا مزكوم)، به سکونت خود در روستای نديدي تصريح کرده و در انجامه چنین نوشته است:

۱ بنگرید به: سيد جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های کتابخانه مدرسه صدر بازار، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶. از دیگر عالمان اهل روستای نديدي، سيد احمد حسینی جمازی نديدي است که به شیراز مهاجرت کرده و سيد حسن بن علی بن شديق مدنی در ۹۶۲ نزد او تملذ کرده است.

«... و فرغ من تسويده الفقير الحقير الى ربه العلي حسين بن السيد علي بن السيد محمد بن السيد احمد الحسيني النديدي مسكناً عصر يوم الخميس الثالث والعشرون من شهر شعبان سنة اثنين وتسعين وتسعمائة من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل الصلوة والسلام غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات وكتبت من اوله الى آخره وانا مزكوم».

نسخه اخير از حيث خط قابل توجه است و كاتب بسيار خوش خط بوده است. از جمله ديگر خصوصيات هاي مهم نسخه اخير، آن است كه كاتب در انجامه بخش دوم نسخه، ذكر ناد علي را در کنار انجامه كتابت کرده، كه تقريباً در نسخه هاي خطي كتابت شده در بخش احساء از بحرين قديم، تا كنون نديده ام. از ديگر عالمان اهل روستای نديد، محمد بن يحيى حسيني نديدی را می بايد ياد کرد. در كتابخانه آيت الله مرعشی مجموعه ای به شماره ۲۲ موجود است كه بخشی از آن، يعنی سه رساله اول (النافع يوم الحشر؛ المقدمة الجزرية و الاثنا عشرية في الصوم تأليف شيخ بهايي) را، سيد محمد بن يحيى حسيني نديدی كتابت کرده است. رساله الاثنا عشرية شيخ بهايي دارای حواشی است كه برخی از آنها در زمان حيات شيخ بهايي كتابت شده و برخی بعد از مرگ او. به احتمال بسيار سيد محمد بن يحيى نديدی حسيني از جمله عالمان احسائي باشد كه به اصفهان مهاجرت کرده است. وی در پايان رساله الاثنا عشرية الصومية، تصريح به كتابت نسخه برای خود کرده و چنین نوشته است:

«... تَمَّت الاثنا عشرية الصومية بتوفيق الله تعالى والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين؛ بقلم الفقير الى الله الغني محمد ابن يحيى الحسيني ... كتبها لنفسه فرحم الله من لقيها ورجعها».

سيد محمد بن يحيى نديدی آثار ديگری نیز كتابت کرده است، از جمله نسخه ای از امالی شيخ صدوق كه تاريخ فراغت از كتابت آن صفر ۱۰۵۷ است و ديگری نسخه ای از كتاب التنقيح الرائع فاضل مقداد. متاسفانه اطلاع بيشتري درباره او نداريم و تنها بر اساس حواشی آمده در الاثنا عشرية الصومية، می توان از سفر او به ايران و شاگردی نزد شيخ بهائي سخن گفت. آیا او به زادگاهش بازگشته يا در ايران اقامت گزيده؟، متاسفانه در حال حاضر نمی توان پاسخ روشنی به اين مطلب داد.





قبر الآجام: تلفیق پژوهش کتابخانه ای و مطالعات میدانی

اهمیت اطلاعات مندرج در منابع تاریخی، زمانی که در کنار پژوهش های میدانی و بررسی حافظه شفاهی منطقه مورد تحقیق قرار گیرد، گاه می تواند اساس روشن تری برای بحث های علمی فراهم کند. مطلب اخیر درباره مزارهای موجود و مورد احترام که اکنون بدرستی هویت فرد یا افراد مدفون در آنها مشخص نیست، کارآمد است. از مزارهای کهن در بخش قطیف، قبری کهن در واحه آجام است. استاد ارجمند عبدالخالق جنبی در تک نگاری با عنوان قبر الآجام (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۲۰۰۹/۱۴۳۰) سعی کرده است تا با بررسی اطلاعات مندرج در منابع تاریخی و مطالعات میدانی، هویت تاریخی فرد مدفون در آن را مشخص کند.

اطلاعات تاریخی چندانی در خصوص شخصیت مدفون در روستای آجام قطیف نیست، جز آنکه در تصور اهالی، وی پیامبری است که در آنجا مدفون شده است. استاد جنبی به بررسی منابع تاریخی پرداخته و در این میان بر شخصی به نام رناب بن زید شنی از چهره های نامور عبدی، که پیش از بعثت پیامبر از دنیا رفته انگشت نهاده و با بررسی مطالبی که در خصوص شخصیت او در کتابهای تاریخی و ادبی، خاصه مطالب منحصر به فردی که در شرح دیوان ابن مقرب درباره رناب شنی آمده، این نظر را مطرح کرده اند که شخصیت مدفون در واحه آجام، کسی جز رناب بن زید شنی نیست که در سنت کهن عربی و حتی در ادوار بعدی در میان قبیله عبدالقیس به عنوان نبی شهرت داشته و همواره قبر و مزار او محل توجه بوده، هر چند اکنون به عنوان قبر الیسع نبی شناخته می شود.^۱ توجه به قبر رناب در میان اهالی محلی، در گزارشی که شارح دیوان ابن مقرب در قرن هفتم هجری نوشته، به شکل روشنی آمده و حتی شواهدی از اراییه هویتی شبه اسلامی برای او را در گزارش اخیر می توان یافت. در

۱ ابن قتیبه (متوفی ۲۷۹) به وجود قبر رناب شنی تا روزگار خود اشاره کرده و گفته که در کنار قبر وی احفاد و فرزندان او دفن شده اند (المعارف، تحقیق ثروت عکاشه (قاهره، ۱۹۸۱)، ص ۵۸). آثار در خصوص رواج مسیحیت نسطوری در بخش شرقی عربستان، یعنی مکان اقامت قبیله عبدالقیس، در گذر زمان از بین رفته و یا در همان ادوار کهن کلیساهای موجود به مسجد تبدیل شده است (در این خصوص بنگرید به: ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۳، ص ۳۳۱). کلیسای که اکنون در واحه عینین در نزدیکی شهر جبیل یافته شده، یکی از موارد نادر از کلیساهای کهن پیش از اسلام است، که تا کنون حفظ شده است. حرکت شن ها و پوشیده شدن کلیسای عینین، باعث شده تا از چشم ها بدور بماند. برای کلیسای عینین و آنچه که در آن یافت شده، استاد ارجمند عبدالخالق جنبی مقاله ای در دست انتشار دارند که مشتمل بر توضیحات مفیدی است. همچنین بنگرید به: Daniel. T. Potts, "Nestorian Crosses from Jabal Berri," Arabian Archaeology and Epigraphy 5 (1994), pp.61-65.

گزارش شارح دیوان ابن مقرب، درباره رثاب شنی گفته شده که وی «حجة علی أهل عصره» بوده و گفته شده که دخترش چون به نزد پیامبر مشرف شد - ظاهرا همراه با وفد عبدالقیس - پیامبر خطاب به یارانشان در اشاره به دختر گفته بودند: «هذه بنت نبی ضیعة قومه». در آخر گزارش از قول امام علی علیه السلام نیز نقل شده که درباره رثاب گفته اند: «یحشر رثاب الشنی أمة واحدة».^۱

در اصالت تاریخی گزارش شارح دیوان ابن مقرب تردید است، اما این مطلب که گزارش او تصور رایج روزگار را انعکاس می دهد، صحیح است. گزارشی تقریبا همانند درباره رثاب شنی، برای خالد بن سنان عبسی نیز نقل شده است و می توان گفت که تکرار مضمون در هر دو گزارش هست و حتی ماجرای گفتگوی میان پیامبر با دختر رثاب، احتمالا در اصل برگرفته از گفتگوی میان پیامبر با دختر خالد بن سنان عبسی باشد که خبری مشهور بوده و سیره نگاران امامی و غیر امامی چون ابان بن عثمان بجلی آن را نقل کرده است.^۲ در ادامه مطالبی که شارح دیوان ابن مقرب عیونی آورده، داستانی درباره توصیه رثاب بن براء برای بعد از دفنش آمده که همان داستان با تفاوت های درباره خالد بن سنان عبسی نقل شده است، که دست کم ذهنیتی مشابه در نحوه شکل گیری خبر را نشان می دهد.

شارح دیوان ابن مقرب آورده که چون زمان مرگ رثاب شنی رسید، او به قومش گفت که چون به خاک سپردنش، مراقب قبر او باشند و چون دیدند حیوانات وحشی گرد جایی که او را به خاک سپرده اند، منتظر شوند و چون حیوانات رفتند، او را از قبر درآورند. سپس وی آنها را از آنچه که تا قیامت رخ خواهد داد، آگاه خواهد کرد. قوم او چنین کردند اما چون خواستند رثاب شنی را از قبر درآورند، گروهی با این کار که نیازی به آن نیست، مخالفت کردند و نظر آنها بر دیگران غلبه یافت. داستان مشابهی را ابن قتیبه در شرح حال خالد بن سنان عبسی آورده که او نیز از قوم خود خواسته بود که بعد از مرگش، وی را از قبر درآورند تا او آنچه که تا روز قیامت رخ خواهد داد را بیان کند. پس از مرگ وی، قومش خواستند طبق گفته او عمل کنند اما گروهی از آنها بیان کردند که چنین کاری باعث می شود تا به نیش قبر مردگانش شهرت یابند، لذا چنان نکردند.

۱ شرح دیوان ابن المقرب العیونی، ج ۱، ص ۵۹۷.

۲ بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۴۲.





هر دو داستان عناصر مشترک و بُن مایه های یکسانی دارند که نشان از اساسی مشترک دارد.^۱ داستان های مذکور دربارهٔ چهره های مذهبی منطقهٔ بحرین قدیم، خاصه چهره های معاصر با ظهور اسلام در دورهٔ اسلامی همچنان رواج داشته است، هر چند عناصری جدید در آن نیز راه یافته است؛ چون نقل مطلبی از پیامبر که فرد مورد بحث پیامبر بوده که قومهش قدرش را نشناخته اند: (ذلک نبی أضعه قومه). اما باید توجه کرد که نقل چنین مطلبی و انتساب آن به پیامبر، نشانگر تداوم حضور فرد مورد بحث و قبر اوست که با رواج گفتهٔ منسوب به پیامبر، حجتی شرعی برای حفظ و نگهداری قبر او نیز پدید می آمده است، کما اینکه داستان های مشابهی نیز با تاکید بر نبوت خالد بن سنان وجود داشته و علی بن حسین مسعودی از منبعی کهنتر نمونه ای از آن را نقل کرده است.^۲

احتمالا همانگونه که استاد جنیبی بیان کرده اند، در سنگ قبری که در ادوار تاریخی گذشته بر روی قبر بوده، احتمالاً تعبیر عبدالیسوع رثاب بن زید شنی نقش بسته و تعبیر الیسع صورت تصحیف شده ای از آن باشد. کتاب قبر الآجام نمونه‌ای درخشان از بهره گیری از اطلاعات تاریخی و پژوهش میدانی و بهره جستن از حافظهٔ جمعی و شفاهی محلی برای شناخت هویت احتمالی فرد مدفون در واحهٔ آجام است. تغییر یافتن هویت تاریخی مقبرهٔ مذکور با توجه به رواج یافتن اسلام، همراه با تداول یافتن اخباری بود که در آنها تصویری مثبت از رثاب شنی از قول پیامبر نقل شده بود، که این امکان را می داد تا همچنان مزار او به عنوان مکانی محترم باقی بماند.

۱ ابن قتیبة، المعارف، ص ۶۲؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۷۵-۷۶ که مطلب اخیر را بدون اشاره از کتاب المعارف ابن قتیبه نقل کرده است. همچنین بنگرید به: عبدالخالق جنیبی، قبر الآجام، ص ۲۲۱-۲۲۶.
۲ بنگرید به: علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۶۸-۳۷۰. مسعودی خبر اخیر را از قول حسن بن ابراهیم شعبی از محمد بن عبدالله مروزی از شخصی به نام ابوالحارث اسد بن سعید بن کثیر بن عقیب نقل کرده که اخبار مورد بحث را در کتابی که خود یا به احتمال بیشتر پدرش سعید بن کثیر بن عقیب تدوین نموده، نقل کرده است. سعید بن کثیر بن عقیب چهره ای مشهور در نقل اخبار بوده است. گفتهٔ مسعودی (مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۰) که «وقد رُویت عن ابن عقیب أخبار كثيرة في هذا المعنى وأشباهه من فنون الأخبار من أخبار بني إسرائيل وغيرها»، اشاره به کتاب یا کتاب های سعید بن کثیر بن عقیب دارد که در قرن سوم و چهارم آثاری مشهور و متداول بوده اند (بنگرید به: ابن قتیبه همدانی، کتاب البلدان، تحقیق یوسف الهادی (بیروت، ۱۹۹۶/۱۴۱۶)، ص ۱۲۳ که توصیف عبدالله بن طاهر دربارهٔ ابن عقیب که او را را یکی از سه عجائب دنیا در سفرش به مصر یاد کرده را نقل کرده است). بخشی از مطالب کتاب اخیر، ادبیاتی را تشکیل می دهد که از آن با عنوان العجیب و الغریب نگاری در سنت اسلامی یاد می شود و حکایت های داستانی دربارهٔ عجائب و نوادری است که بیشتر حاصل ذهن خیال پرداز است.